



پیام آرامش بیستون

فصلنامه علمی، آموزشی • سال هشتم • شماره ۲۹ • تابستان ۹۸



مرکز مشاوره و مددکاری اجتماعی



فرماندهی اجتماعی استان کرمانشاه

کارکردهای فرهنگی - اجتماعی فضای مجازی

۹ دشمن زندگی زناشویی

آسیب شناسی روابط دختر و پسر

تأثیر همسالان بر رفتارهای نوجوانان به سمت اعتیاد

مشکلات فرزندان طلاق

مفهوم و مصداق جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی



هر کشوری که در آن بنیان خانواده مستحکم باشد. بسیاری از مشکلات آن کشور، به
خصوص مشکلات اخلاقی و معنوی آن به برکت خانواده‌ی سالم و مستحکم برطرف می‌شود یا
اصلاً به وجود نمی‌آید.

امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)

پیام آرامش بیستون

فصلنامه علمی، آموزشی • سال هشتم • شماره ۲۹ • تابستان ۹۸



فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه



عکس روی جلد: طبیعت تابستانی شهرستان اسلام آباد غرب

صاحب امتیاز: معاونت اجتماعی فا استان کرمانشاه

مدیر مسئول: محمدرضا آمویی

سرمدیر: یونس کرمی

طراحی و چاپ: اداره امور هنری و مناسبت‌های معاونت اجتماعی فا.ا. کرمانشاه

طراحی و صفحه‌آرایی: فریدون کرمی

کانون تبلیغاتی نشانگر - ۰۹۱۸۱۳۳۷۵۸۰

شمارگان: ۵۰۰ جلد

همکاران این شماره: علی اکبر جاویدان، محمدرضا آمویی، فردین یارمحمدی، جلال پیشوتن فرد، اصغر ملکی، یونس کرمی، محمد قنبری، سعید عمی، شهرام نجفی، قدرت الله نوری تبار، فواد فاطمی، شادمهر سخایی، مریم چوپانی، سحر فرهنگند، ژاکلین سپهری

آدرس: کرمانشاه، بلوار شهید بهشتی، سه راه ۲۲ بهمن، خیابان شهید مدافع حرم اکبر نظری، ساختمان معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه.

تلفن: ۲۱۸۲۱۹۰۳ - ۲۱۸۲۱۹۰۴

فهرست مطالب

عید امامت و ولایت ۲

پیشگیری اجتماعی ۳

کارکردهای فرهنگی - اجتماعی فضای مجازی ۵

عوامل موثر در بوجود آمدن نزاع و درگیری ۷

بازی خطرناک ۸

۹ دشمن زندگی زناشویی ۱۰

آسیب شناسی روابط دختر و پسر ۱۲

آسیب‌های فضای مجازی و تبعات روانی آن ۱۶

پیامدهای روانشناختی پدیده طلاق ۱۷

دوستی‌های خیابانی ۲۰

تاثیر همسالان بر رفتارهای نوجوانان به سمت اعتیاد ۲۲

کمال گرایی بیش از حد چیست؟! ۲۳

داستانک «ازدواج موقت» ۲۵

مشکلات فرزندان طلاق ۲۷

مفهوم و مصداق جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی ۳۰

بازدید مسئولین دانشگاه علوم پزشکی از مرکز مشاوره آرامش

پلیس کرمانشاه ۳۲

سخن سردیر

یونس کرمی

عید امامت و ولایت



عید غدیر روز شکرگزاری از اتمام ولایت و اكمال دین است. به شکرانه این عید بر پیامبر خدا و اهل بیتش درود می‌فرستیم. سالگرد غدیر یادآور تجدید بیعت با فرزند غدیر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. خجسته باد پیوند ((نبوت)) و ((امامت)) در نقطه اوجی به نام غدیر خم.

غدیر، آبی است که ریشه همه درختان و گل بوته‌های باغستان‌های توحید برای تغذیه و رشد به آن نیازمند است. غدیر، یک تاریخ است؛ تاریخی که ابتدایش مدینه است، میانش کربلا، انتهایش ظهور.

دریای غدیر، از ریزش آبشارگون وحی بر جان محمدصلی الله علیه و آله لبریز است و قامت دین در زلال غدیر خم بازتاب یافته است.

عید سعید غدیر، عید اعطای بهجت و سکینه الهی به دل‌های مومنان ولایت مدار بر عاشقان آن امام مبارک باد!

سپاس خداوندی را که چشم بندگان رستگار خود را به نور ولایت اهل بیت روشنی بخشید و روز واقعه پرشکوه غدیر خم را عید مومنان قرار داد. فرا رسیدن عید غدیر خم، عید تکمیل دین مبین اسلام، عید اعطای بهجت و سکینه الهی به دل‌های مومنان ولایت مدا و روز شادمانی بندگان خالص و مخلص خداوند از اعطای نعمت ولایت، و روز کامل شدن آخرین شریعت الهی با نور ولایت بر رهروان کاروان عشق معنویت خجسته باد.

ولایت امیرمومنان علیه السلام، درخت طوبی است که ریشه در بوستان وحی دارد و شاخ و برگش در دل حق جویان گسترده است. غدیر، ریشه تمام فضیلت‌ها، شرافت‌ها، ارزش‌ها، و به تکامل رسیدن هاست. غدیر، دریای از باور و بصیرت، در کویر حیرت و هامون ضلالت است، تا کام جان‌ها از آن سیراب شود.

زمین ظلمانی بود. ماه و خورشید بر فراز منبر ایستادند و ستارگان را فرا خواندند تا برتاریخ نور افشانی کنند و قصه ولایت را بازگو نمایند.

پیشگیری اجتماعی

فرمانده انتظامی استان کرمانشاه سر تیپ دوم ستاد علی اکبر جاویدان



تکونین جرم موثر بوده‌اند.

نکته اساسی در این نوع از پیشگیری تخصص، اندیشه و تلاش مضاعف است زیرا به جهت گستردگی و پیچیدگی موضوع، ممکن است علی رغم سرمایه‌گذاری‌های هنگفت و کلان، نتیجه مورد نظر در کاهش جرم حاصل نیاید. جلوگیری از شرایط اجتماعی جرم‌زا، کنترل بزهکاری، تأمین امکانات رفاهی و بهداشتی، بالا بردن سطح فرهنگی و بینش اعتقادی و مذهبی مردم، تهیه مسکن ارزان، از بین بردن بیکاری، جلوگیری از مهاجرت از مهمترین برنامه‌ها و مؤلفه‌هایی است که در پیشگیری اجتماعی از جرم وجود دارد. پیشگیری اجتماعی به دو نوع جامعه مدار و رشد مدار تقسیم می‌شود:

الف) پیشگیری اجتماعی جامعه مدار: منظور آن است که اگر در محیط، عوامل جرم‌زا وجود داشت آنها را خنثی می‌سازیم. **ب) پیشگیری اجتماعی رشد مدار:** منظور آن است که اگر طفل به دلیلی از خود مظاهر بزهکاری نشان داد، با مداخله‌ی زودرس بر روی وی و محیط پیرامون وی، جلوی مزمن شدن بزهکاری را در آینده بگیریم.

امروزه شهرنشینی و شهرگرایی به صورت یک پدیده اجتماعی در کلیه جوامع مطرح است و نگاهی گذرا به جمعیت شهری نشان می‌دهد نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند؛ در این روند وجود آنچه به صورت یک حقیقت ناخوشایند در محیط شهری رخ می‌دهد گسترش بیش از پیش جرم و تخلفات است. افزایش تخلفات و ظهور اشکال نوین اعمال متخلفانه در دهه‌های اخیر و به موازات آن بالا رفتن احساس ناامنی و ترس از وقوع جرم و تخلفات موجب شده است که تخلف و جرم به صورت یکی از نگرانی‌های اساسی مردم در آید و در پی آن حکومت‌ها مطالعه، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در این قلمرو را ضروری تشخیص دهند.

از این رو پیشگیری با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از تخلف به صورت پایدار و همیشگی است. پیشگیری درصدد آن است که اعضای جامعه را از طریق آموزش و تربیت و تشویق و تنبیه با قواعد اجتماعی آشنا و هم‌نوا کند. پیشگیری اجتماعی شامل مجموعه اقدامات پیشگیرانه‌ای است که هدف آنها کاهش و از بین بردن عواملی هست که در

* واکاوی قوانین و مقررات کشوری در حوزه پیشگیری
 * رصد و پالایش تخلفات اقتصادی و اجتماعی با توجه به
 موقعیت جغرافیایی
 * آگاهی بخشی آحاد جامعه با رویکرد پیشگیری کنشی و واکنشی
 * نهادینه کردن حقوق شهروندی در قالب فعالیت‌های

دولت‌ها می‌توانند از طریق راهکارهای متنوعی به مقابله
 و پیشگیری با تخلف بپردازند و مسلم است که وجود نهادهای
 پیشگیری از تخلف در هر جامعه‌ای می‌تواند نقش مؤثری را ایفا
 کند. برنامه‌های پیشگیری از تخلف مجموعه وسیعی از برنامه‌ها و
 فعالیت‌ها را در بخش‌های مختلف جامعه در بر می‌گیرد و هیچ



پیشگیری با گفتارهای اجتماعی
 * پیشگیری‌های اجتماعی در قالب پیشگیری فرد مدار، رشد
 مدار و موقعیت مدار

نتیجه گیری:

پیشگیری اجتماعی خواهان مقابله با جرم از طریق اعمال
 سیاست‌های غیرکیفری است. به عبارتی پیشگیری اجتماعی
 خواهان مبارزه نرم و مخملی با وقوع جرم است به همین منظور
 از عاملین بالقوه جرم به عنوان اسلحه‌ای برای نبرد با بزه استفاده
 می‌کند. روش و موضع این پیشگیری نیز به این گونه است که
 اگر خواهان شخصیت سازی و از ورای آن انسان سازی با عنوان
 مکانیزم ساخت انسان ضد جرم هستیم می‌بایست آموزش اشخاص
 را از اوان کودکی و از طریق خانواده شروع کنیم، یعنی می‌بایست
 اصول اساسی و هنجاری که از طریق خانواده آموزش داده
 می‌شود و در بدنه شخصیتی کودک نفوذ پیدا می‌کند را با اصول
 جرم ستیزانه هماهنگ سازیم تا شخصیتی که در آینده به عنوان
 شخصیتی مستقل و خودرأی وارد جامعه می‌شود هویتی جرم گریز
 و بلکه جرم ستیز باشد.

نهاد خاصی نمی‌تواند متولی آن در همه ابعاد باشد و براین اساس
 نوعی هماهنگی بین نهادهای رسمی جامعه از یک سو و مشارکت
 نهادهای مردمی از سوی دیگر در تحقق این مهم ضروری می‌باشد.
 باید همه شهروندان در پیشگیری از تخلف سهیم شوند یعنی بدون
 آگاهی مردم از اهداف پیشگیری و بدون مشارکت تمامی مردم
 عملی نمی‌گردد. چرا که هدف تحقق دو اصل اساسی است:
 * پیشگیری نه در سالم سازی بلکه در سالم نگه داشتن فرد
 و اجتماع نقش سازنده‌ای را ایفا می‌کند.
 * پیشگیری به مراتب آسان‌تر از درمان بوده و هزینه‌های آن
 به مراتب کمتر از هزینه‌های درمان است.

اهداف پیشگیری اجتماعی

* شناخت علل بروز تخلفات اقتصادی اجتماعی
 * ارتقاء آگاهی شهروندان از قوانین و مقررات در جهت سالم
 سازی فضای کسب و کار و نیز ایجاد و گسترش خود نظارتی در
 بین شهروندان
 * تعامل و همکاری با صاحب نظران، نهادها و سازمان‌ها در
 حوزه پیشگیری

کارکردهای فرهنگی - اجتماعی فضای مجازی

سرهنک محمد رضا آمویی معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه



تحت تأثیر قرار دادن عامه مردم کشور هدف را داراست. «برای تأثیر پذیرفتن از فیلم‌های پُرهیجان آمریکایی و شیفته بازیگران این فیلم‌ها شدن، فرد نیازی به داشتن دانایی و سواد خاصی ندارد».

دگرگونی‌های هویتی

اگر پیش‌تر این مثل معروف بود که: بگو رفقاییت چه کسانی‌اند تا بگویم کیستی! امروزه می‌توان گفت: بگو پیوندهایت (لینک‌هایت) چیست؟ تا بگویم کیستی! «کیستی» و «چیستی»، از مهم‌ترین پرسش‌ها در باب «هویت» است و از جمله نقش‌آفرینی‌های فضای مجازی در عرصه فرهنگ و اجتماع، دگرگونی در پیش‌فرض‌های مربوط به هویت است. برای مثال، شاید به زودی، روزی فرا رسد که به جوانان پیشنهاد شود نام خود را تغییر دهند تا بتوانند با گذشته خود در اینترنت وداع کنند؛ چرا که وابستگی زیاد جوانان به وبگاه‌های اجتماعی (مانند فیس‌بوک)، حتی رئیس گوگل را واداشته به آنان هشدار دهد، در افشای اسرار و اطلاعات شخصی خویش احتیاط بیشتری به خرج دهند. نوجوانان در دوره بلوغ، هویت شخصی خود را از طریق کشف و جست‌وجو بنا می‌کنند. بلوغ، مرحله‌ای بحرانی است که نوجوانان به دنبال کشف ارزش‌ها و درونی کردن آن می‌باشند و اینترنت، با حجم نامحدود اطلاعات و ابزارهای سریع ارتباطی، نوجوانان را با اشکال دیگر ایجاد هویت از طریق جست‌وجو آشنا می‌کند.

از طرفی، پنهان ماندن هویت‌ها در شبکه، موجب کسب هویت‌های جدید و ایفای نقش‌های اجتماعی مجازی در شبکه به وسیله افراد می‌شود. با وجود امکانات چند رسانه‌ای موجود در

امروزه فضای مجازی به بخش تفکیک‌ناپذیری از زندگی انسان‌ها تبدیل شده و با سرعت شتابان، تمامی شئون و عرصه‌های زیست بشر را تحت تأثیر قرار داده است. از این رو، ماهیت‌شناسی این فضا و تشخیص شرایط و الزام‌های تبدیل شدن به بازیگری توانمند در این عرصه، نخستین گام است و هرگونه بی‌توجهی و غفلت نسبت به این پدیده، صدمه‌ها و آسیب‌های خطرناکی را متوجه جامعه خواهد نمود.

کارکردهای فرهنگی - اجتماعی:

فضای مجازی به عنوان یک ابزار نوین برخاسته از جامعه آمریکا، ارزش‌های ایالات متحده را به خوبی در خود جای داده و به طور ظریفی آنها را به کاربران نیز انتقال می‌دهد. برای نمونه، «یوتیوب» به عنوان متنی توأم با دموکراسی و ارزش‌های زیرمجموعه آن (مانند آزادی بیان، آزادی مذهبی، تکثرگرایی و ارزش‌های نوین) توانسته است به شکل حرفه‌ای، کاربر را مجذوب فضای خود کند و روزانه توجه صدها میلیون نفر را به خود جلب نماید. در ادامه، مواردی از این اثرگذاری، بیان می‌گردد.

انتقال ارزش‌ها

در مورد جنگ نرم غرب با کشورهایی مانند ایران، توجه به این نکته حائز اهمیت فراوان است که فرهنگ عامه آمریکا، یکی از قوی‌ترین و دوبردترین سلاح‌های قدرت نرم این کشور به شمار می‌آید. این ابزار، برخلاف سایر ابزارها (مانند آموزش عالی و سازمان‌های مردمنهاد که بیشتر، گروه محدود و خاصی را هدف قرار می‌دهد)، ظرفیت

ایجاد مطالبه‌های جدید اجتماعی

ایجاد سهولت در برقراری ارتباط با شهروندان سایر جوامع و آگاهی از وضعیت رفاه و معیشت آنان موجب مقایسه فرد با دیگری می‌گردد. این حقیقت، به‌ویژه در مورد جوانان و قشر فعال جامعه نمایان‌تر است؛ چرا که جوان، سرشار از انرژی و نشاط بوده و همواره درصدد ایجاد تغییر در فضای خصوصی و اجتماعی خود می‌باشد. از طرفی،

فضای مجازی، هنوز هم قسمت عمده‌ای از ارتباطها در فضای مجازی را ارتباطات متنی در قالب رایانامه و گپ (چت) تشکیل می‌دهد. ارتباطهای متنی می‌تواند شکل جدیدی از هویت مجازی را شکل دهد. افراد در فضای مجازی، به دلیل نبود راهنماهای چهره‌ای، می‌توانند بازنمایی‌های متفاوتی از خود ارائه دهند. در ارتباطهای مجازی، فرد می‌تواند دیوارها را بشکند، به حوزه



مسائل احساسی و روانی، از جمله تعلق خاطر کمتر به داشته‌های فرهنگی و اجتماعی خود و اعتماد به نفس کمتر، در میان این قشر از جامعه بیشتر ملموس بوده و اندک مواجهه با مظاهر رفاه اجتماعی در سایر نقاط دنیا، درخواست آنان برای تغییر سطح طبقه‌ای را افزایش داده و همین امر به ایجاد مطالبه‌های جدید اجتماعی می‌انجامد. این درخواست برای ارتقای سطح رفاه، اگرچه به خودی خود مذموم نبوده و از ارزش‌های ماهوی نیز برخوردار است، اما بدون هدایت و راهبری صحیح و پیگیری مطالبه‌ها از مجاری منطقی، قادر است جوامع را دچار بحران‌های اجتماعی گرداند.

گست نسل

اکنون به دلیل دسترسی کاربران به حجم انبوهی از اطلاعات در فضای مجازی و ارتقای سطح آگاهی‌ها، نه تنها شکاف میان نسل اول و دوم، بلکه شکاف میان نسل دوم و سوم نیز آشکار شده است و هیچ‌یک، زبان دیگری را به خوبی درک نمی‌کنند. تغییر ماهیت، کمیت و کیفیت گذران اوقات فراغت، یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده «سطح رفاه» و «نظام ارزشی» هر جامعه است و امروزه با گسترش فضای مجازی، این عرصه اجتماعی و فرهنگی نیز دستخوش تحول گردیده است. اگر تا پیش از این، مفهوم گذران اوقات فراغت به حضور در بوستان‌ها، سرکشی به اقوام، رفتن به سینما و نظایر آن، که به طور کامل یا بخش عمده‌ای از آن مبتنی بر حضور فیزیکی و ارتباط چهره به چهره بود، امروزه بخش قابل توجهی از این گونه ارتباط، جای خود را به گفت‌وگو در فضای گپ‌سراها (چت‌روم‌ها) داده است و با گسترش روزافزون فضای مجازی، سهم این ارتباط افزوده خواهد شد.

خصوصی دیگران وارد شود و حرف‌هایی را که حاضر نیستند در ارتباط چهره به چهره بگویند، بشنود. شد»

حریم خصوصی

با اندکی جست‌وجو در وبگاه‌های اینترنتی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، می‌توان با تصاویر خانوادگی برخی افراد و کاربران اینترنتی مواجه شود که به‌راحتی در دسترس عموم کاربران قرار گرفته است. تعداد زیادی از کاربران شبکه اینترنتی فیس‌بوک تصاویر مجالس خصوصی، محافل خانوادگی و جشن‌های عروسی خود را با شکل‌های مختلف در این وبگاه به اشتراک گذاشته و این تصاویر به راحتی قابل دریافت و انتشار است! تصاویر شخصی و خانوادگی افراد به یکباره از درون آلبوم‌های سنتی و پوشه رایانه‌های خانگی وارد عرصه بی‌حد و مرز شبکه‌های اجتماعی شده است، اما این بار، این خود افراد هستند که تصاویر خصوصی خود را منتشر می‌کنند! این قبیل تابوشکنی، به تدریج بحران و تنش‌های خانوادگی و اجتماعی را در بر خواهد گرفت و بر روحیه جوانان و زوال اخلاقی ایشان اثرهای مخرب بر جای خواهد گذاشت.

این تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به نوبه خود بنیان‌های خانوادگی را در معرض تهدید قرار می‌دهد. اینترنت، همچنین موجب سهولت خیانت در روابط زناشویی و روابط نامشروع می‌شود. به بیان مختصر، متغیرهای موجود در این فضا «روابط نزدیک غیر اخلاقی، فقدان بازدارندگی، مسئولیت‌ناپذیری و فقدان محدودیت زمانی» هستند.

عوامل موثر در بوجود آمدن نزاع و درگیری

فردین یارمحمدی کارشناس ارشد مدیریت انتظامی



مقدمه:

ناکامی، حسادت، خودنمایی، جامعه پذیری نامناسب، نداشتن مهارت‌های ارتباطی و توسل به زور جهت احقاق حق

عوامل محیطی:

زندگی در مناطق حاشیه ای و جرم خیز، وجود گروههای خشونت طلب در قالب ارادل و اوباش در منطقه و آشنایی و ورود برخی از جوانان به این گروهها، زندگی در مناطق کوهستانی و بد آب و هوا یا مناطق گرم و خشک

راهکارهای کاهش نزاع:

معین بودن ساعت کار و در نظر گرفتن فرصت کافی برای استراحت
ایجاد فرصت اشتغال برای جوانان
آموزش مهارت‌های کنترل خشم
کاهش فقر و محرومیت
از عوامل مهم و ضروری در کاهش نزاع و درگیری می‌باشد.

سخن پایانی:

با برخورد‌ها و پیگیری‌های قانونی و بالا بردن سطح آموزش‌های مناسب مانند برنامه ریزی جهت برگزاری برنامه‌های فرهنگی، در این زمینه می‌توان یکی از عوامل ابزار کشت و کشتار را در بین افراد درگیر در نزاع کاهش داده و حداقل از آمار مجروحیت و کشتار به وسیله انواع سلاح‌ها کاست

نزاع و درگیری، رخداد، واقعه یا واکنشی است اغلب هیجانی که فرد در مواقع عصبانیت از خود نشان می‌دهد و غالباً موجب توهین، فحاشی، ضرب و شتم و مصدومیت می‌شود. خشونت خیابانی از نیروی فیزیکی توسط فرد یا افرادی در مکانهای عمومی است. تقریباً یک سوم این جرایم در خیابان و محیطهای باز صورت می‌گیرد و اشکال مختلفی دارند، از جمله سرقت، مزاحمت نوامیس، زورگیری، نزاع سطحی منجر به ضرب و شتم، قتل، تجاوز... گرچه بسیاری از خشونت‌های خیابانی مربوط به ارادل و اوباش است، ولی افراد عادی زیادی هم به طور ناخواسته به بهانه‌های واهی درگیر زدوخوردهای بی مورد با یکدیگر می‌شوند، تصادف دو خودرو - خریدوفروش، طلب پول و... همین موضوع خشونت خیابانی را به یک مساله و مشکل برای سلامت عمومی تبدیل کرده است.

عوامل موثر در بوجود آمدن نزاع و درگیری

عوامل فرهنگی:

این پدیده در کشور ما که دارای بافت جمعیتی چند قومیتی است، به عنوان پدیده ای مسئله ساز ظاهر می‌شود. پدیده نزاعهای فردی در مناطقی از کشور که به شدت متأثر از ارزشهای سنتی و طایفه ای خود می‌باشند و گرایش و پابندی کمتری نسبت به قانون دارند، بیشتر مشهود است.

عوامل فردی:

اختلاف تکانه ای داشتن تیپ شخصیتی ستیزه جو - فقر عاطفی،

منبع: نزاع خیابانی نویسنده: دکتر افشین طباطبایی / سایت پارس دانش

((برگرفته از یک پرونده واقعی)) مرکز مشاوره آرامش پلیس کرمانشاه

کیس ویژه

بازی خطرناک

نویسنده: ژاکلین سپهری

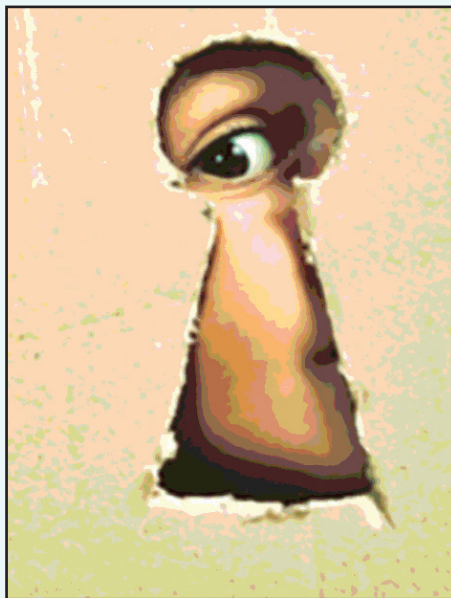


صفحه‌ی مانیتور رایانه اش در اتاق خودش با لذت نگاه می‌کرد. فیلم‌هایی با صحنه‌های غیر اخلاقی و نامتعارف که با لذت نگاه می‌کرد و پس از پایان هر فیلم از او می‌خواست تا صحنه‌ها را با یکدیگر تکرار کنند. تکرارهایی که پس از مدتی به صورت بازی روزانه‌ی آنها درآمد. پس از مدتی این بازی که در واقع انجام حرکات ناشایست و ضد اخلاق انسانی بود آن چنان ملکه‌ی ذهنی او شده بود که برای رفتن به خانه‌ی آنها لحظه شماری می‌کرد... تابستان که تمام شد و مدرسه‌ها باز و روزها کوتاه تر شدند زمان بازی روزانه‌ی آنها هم به علت درس‌های مدرسه به تدریج کمتر می‌شد، او دوست داشت همان بازی‌ها را با همکلاسی‌هایش ادامه دهد اما عده‌ی کمی از آنها دعوتش را قبول کردند و کار با بقیه به دعا و قهر و حتی اطلاع به خانواده‌هایشان کشیده شد. والدین آنها هم به مدرسه آمدند و موضوع را با مدیر مدرسه در میان گذاشتند. مدیر مدرسه هم در اولین فرصت مادرش را به مدرسه کشاند و قضیه شکایت همکلاسی‌ها و والدینشان را به او گوشزد کرد.

هنوز خاطره‌ی آن روز را به یاد داشت که مادرش چگونه با چهره‌ای برافروخته نگاهش کرد و خشمگین او را به خانه برد و حسابی تنبیهش کرد و هنگامی که علت واقعی‌اش را از زبان او شنید، اجازه نداد به خانه‌ی همسایه برود. اما این سخت‌گیری و محدودیت‌ها برای او که با وجود داشتن هشت سال سن بد عادت شده بود مقععی بود و ناخودآگاه بخشی از زندگی‌اش انجام حرکاتی شده بود که شیما با نمایش فیلم و به شکل عملی به او آموزش داده بود.

صدای اذان مغرب از مسجد محله شنیده می‌شد!...الناز زن جوان بیست و چهار ساله در حالی که لالایی آرامی را زیر لب زمزمه می‌کرد، برای اولین بار پرده‌ی پنجره‌ی پذیرایی خانه اش را با دست کمی کنار زد تا رفتن مرد و زن‌های نمازگزار به مسجد را به کودک سه ساله اش نشان دهد، بلکه گریه اش را که یک جور بهانه جویی پیش از خوابش بود، قطع کند!... با دیدن مردم دلش می‌خواست همراه بقیه به مسجد می‌رفت، اما نمی‌توانست!... می‌دانست که مسجد رفتن دل پاک می‌خواهد و قلب صاف و او هیچ کدامش را نداشت!... اگر هم داشت مدتش کوتاه بود، آنقدر کوتاه که شاید به شش یا هفت سال بیشتر نمی‌رسید!... آن زمان که برحسب شرایط محیطی و کاری پدر و مادرش که هر کدام مغازه‌ی پوشاک فروشی مردانه و زنانه در یکی از شهرستانهای استان خوزستان داشتند و همسایه‌ی زن خوب و مهربانی به نام حکیمه خانم شدند که شوهرش راننده‌ی ماشین سنگین بود و بیشتر وقتها خانه نبود. او دو دختر داشت، دختر کوچکش هفت ماهه و دختر بزرگش شیما پانزده ساله بود. پدر و مادرش برای آن که به کارشان برسند اغلب برادرش عرفان که پنج سال از او کوچکتر بود را با خودشان سرکار می‌بردند و او را که هفت سال بیشتر نداشت به حکیمه خانم می‌سپردند. حکیمه خانم هم که همیشه سرش به بچه داری و خانه داری گرم بود و از آنجا که همبازی او کسی جز شیما نبود، خواه ناخواه سرگرمی‌های مورد پسندش، سرگرمی‌های مورد علاقه او هم می‌شد، طوری که پس از مدتی به راحتی به آنها عادت کرده بود. مهم ترین سرگرمی شیما تماشای فیلم‌هایی با صحنه‌های غیر اخلاقی و نامتعارف بود که روی

احسان خانه نبود، باز هم همان احساس‌های غلط پیش از ازدواج به سراغش می‌آمد. حس برتری جنسی و شریک جنسی دیگر خواستن غیر از همسرش!... رفتارهایی که احسان هم متوجه آن شده بود و به همین دلیل بلافاصله او را در یک باشگاه ورزشی ثبت نام کرد. اما متأسفانه باشگاه رفتن هم دردی از او دوا نکرد هیچ که باز هم همان احساس و گرایش قبلی برایش تکرار می‌شد، تا جایی که به دور از چشم همسرش با چند خانم هم رابطه‌ی جنسی برقرار کرد. در همین اوضاع روحی، روانی و رفتاری بود که باردار شد. اما بارداری هم نتوانست موجب تغییر رفتارش شود. کم‌کم خودش هم از این وضعیت کلافه می‌شد!... به همین دلیل به یک پزشک مراجعه کرد تا بلکه بتواند با استفاده از دارو اختلال جنسی‌اش را کنترل و یا درمان کند. اما پزشک معالج از او خواست علاوه بر دارو درمانی به یک روانشناس هم مراجعه کند. او دلش می‌خواست هرچه سریعتر و بهتر به نتیجه برسد و برای این کار به مرکز مشاوره‌ی آرامش و امنیت پلیس را



انتخاب کرده بود. پلک‌های زیبای دختر کوچکش سنگین شده و کم‌کم در آغوشش می‌خوابید، دلش نمی‌خواست وقتی که او بزرگ می‌شود مشکل مادرش را داشته باشد!... در همین افکار بود که پیامکی او را به خود آورد... ساعت نه صبح فردا می‌بایست در مرکز مشاوره‌ی آرامش و امنیت پلیس حاضر می‌شد. لبخندی از روی رضایتمندی بر روی لبهایش نشست، شاید نکته‌ی گمشده‌ی بازی خطرناک زندگی او همانجا بود... نمازگزاران کم‌کم از مسجد خارج می‌شدند!... شاید جای بعدی که می‌باید می‌رفت همانجا بود.

* هموسکسوال: همجنس باز

* پارتنر: شریک جنسی اعم از زن یا مرد

نظریه کارشناس مشاوره پلیس کرمانشاه:

آموزش‌های اصول صحیح تربیتی و فرزندپروری یکی از موارد بسیار مهم و ضروری است که به طور حتم قبل و بعد از فرزندآوری باید به والدین آموخته شود. این آگاهی‌ها شامل مواردی از قبیل چگونگی نگهداری از فرزندان بویژه در زمانی که پدر و مادر هر دو شاغل هستند و چگونگی فراهم آوردن فضایی امن و مطمئن جهت پرورش فرزندان، آموزش تربیت جنسی و مراقبت‌های جنسی به خانواده‌ها، فرزندان (دختر و پسر) می‌باشد. در غیر اینصورت تبعات کوتاهی در این زمینه علاوه بر خود فرد، دامن خانواده و جامعه را فرا می‌گیرد.

صدای گریه‌ی بچه‌اش با صدای مکبر مسجد هارمونی خاصی را در ذهنش ایجاد کرده بود که بیشتر گذشته‌اش را مثل اکران یک فیلم به نمایش می‌گذاشت.

بخشی از نمایش این فیلم مربوط به روزی بود که مادر و پدرش مثل همیشه به مغازه رفته بودند و او با برادرش عرفان تنها بود. دلش می‌خواست از فرصت استفاده کند و عرفان را در بازی خودش شریک کند. برای همین سراغش رفت و به زور او را وادار به کاری کرد که برادرش از آن فرار می‌کرد. بعد هم او را ترساند که به کسی چیزی نگوید. هنوز هم به یاد داشت که این بازی آن هم با برادرش چندین بار تکرار شد، تا جایی که عرفان کاملاً از او متنفر شده بود.

پله‌های رشد سنی‌اش را که از نظر می‌گذراند پر بود از این رفتار و رابطه‌ی غلط که هر سال با همکلاسی‌های جدیدش ادامه داشت و چون دیگر در این کار مهارت پیدا کرده بود هر بار به بهانه‌ای به منزل یکدیگر می‌رفتند و دور از چشم والدین به رابطه‌ی غیر اخلاقی خود

ادامه می‌دادند. پس از مدتی کارش به جایی کشیده شد که خارج از مدرسه هم به افرادی پیشنهاد برقراری این رابطه می‌داد، رابطه‌ای که بیشتر گرایش به همجنس خودش بود. حتی در محیط‌های زنانه مثل استخر و یا... به راحتی پیشنهاد برقراری رابطه به بعضی از خانم‌ها را می‌داد. در واقع او به شیوه‌ی هموسکسوال* و عشق به ارتباط با پارتنرهای* مختلف بزرگ شد و پس از فارغ التحصیلی از دبیرستان در گروه‌های تلگرامی که عضو بود به صفحه‌ی شخصی بعضی از آنها می‌رفت و پس از سر صحبت باز کردن با آنها پیشنهاد برقراری ارتباط جنسی که از کودکی آموخته بود را می‌داد که یا بلافاصله بلاک می‌شد و یا مورد نصیحت قرار می‌گرفت و در پایان تنها عده کمی می‌پذیرفتند. روزهای پر از ابهام زندگی‌اش تا بیست سالگی به همین منوال گذشت، آن زمان که پسر خاله‌اش احسان به خواستگاری‌اش آمد... خانواده‌اش هم از این وصلت راضی بودند و از آنجا که خودش هم ازدواج را پناهگاه امنی برای خلاص شدن از این بازی خطرناک می‌دانست خیلی سریع جواب بله را داد. پس از برگزاری جشن عروسی مفصلی برای زندگی، همراه با احسان که تکنسین اتاق عمل بود به کرمانشاه زادگاه پدر و مادرش برگشت!...

احسان برای او خانه و زندگی خوبی فراهم کرد و علیرغم کار سنگینش در بیمارستان از هیچ گونه محبتی در حقش کوتاهی نمی‌کرد. اما با وجود دور شدنش از محیط زندگی قبلی، وقتی که

۹ دشمن زندگی زناشویی

شهرام نجفی کارشناس ارشد MBA



خاموش باشد. البته فراموش نکنید که تلویزیون در رابطه‌ی میان والدین و فرزندان نیز بعضاً نقش‌های مخرب زیادی دارد.

۲- خانه‌نشینی

ممکن است به خاطر تلویزیون و یا بنا به دلایلی، دیگر بیرون نروید! البته حتماً لازم نیست که رستوران‌های آنچنانی بروید و یا از همسران چنین انتظاری را داشته باشید. چرا که به هر حال اصل قضیه این است که شما اوقاتی را با هم و به بهترین شکل سپری کنید. حالا می‌توانید غذایی که در منزل تهیه کرده‌اید را به پارک ببرید و یا اینکه اگر می‌توانید به رستورانی که در آن خاطره‌های خوشی داشته‌اید، بروید. فراموش نکنید که نباید با هزینه تراشی‌های بی‌مورد، به گونه‌ای متحمل هزینه بشوید که دیگر نخواهید به رستوران بروید. اگر هم به سینما علاقه دارید و از آن لذت می‌برید، می‌توانید با تفاهم بر روی فیلم خاصی، از تماشای آن لذت ببرید. فراموش نکنید که صله‌ی رحم را همواره در برنامه‌های خودتان بگنجانید. مبدا طوری رفتار کنید که ببینید دیگر از گردش‌های دونفره و شب‌نشینی‌های رمانتیک خبری نیست! باید دوباره آن حال و هوا را به‌دست‌آورید و به اتفاق یکدیگر از خانه بیرون بزنید! حالا که به تازگی از شر تلویزیون خلاص شده‌اید، سعی کنید که توجه به همسران، تلویزیون جدید شما باشد!

۳- ساعات اضافی

دیگر دیر از سر کار به خانه برنگردید! نه تنها برای خودتان وقت ندارید بلکه علاوه بر آن خستگی و عصبانیت‌تان را با خود به خانه

برای اینکه زندگی زناشویی خوبی داشته باشیم، لازم نیست که بیخودی به دنبال راه‌های معجزه آسا باشیم. ضمن اینکه باید بدانید که خوشبختی در زندگی زناشویی و داشتن یک زندگی زناشویی موفق بعد از ازدواج، هیچ ارتباطی به رویاپردازی و ایده آل نگری نداشته و در عین حال چیزی نیست که بدون هیچگونه تلاش و اراده‌ای، تحقق یابد. پس لازم است بدانید که اگر واقعاً قصد بهبود شرایط زندگی زناشویی خودتان را دارید، یکی از بهترین اقداماتی که می‌توانید انجام بدهید، شناسایی عوامل مخرب در زندگی است که ما در این مطلب از آن‌ها با نام دشمن زندگی زناشویی یاد می‌کنیم و قصد داریم تا ۹ مورد از آن‌ها را در ادامه‌ی مطلب بیاوریم. البته هر کدام از شما ممکن است به فراخور شرایط زندگی خودش، بخواهد به این موارد، مورد دیگری نیز بیفزاید.

۱- تلویزیون

تلویزیون قاتل عشق است. در این مورد هیچ شکی نداشته باشید! حتی کاملاً توصیه می‌شود که شام خوردن جلوی تلویزیون را قذف کنید. هر شب غذا خوردن جلوی تلویزیون به همراه گویندگان نمی‌گذارد حواستان به همسران و فرزندان باشد، از آن گذشته آن قدر جلوی تلویزیون به تماشای فیلم مشغول بوده‌اید که وقتی به رختخواب می‌روید، حتی دیگر وقت ندارید با هم حرف بزنید و از حال یکدیگر باخبر شوید. تنها چاره کار این است که این دشمن را از زندگی عاشقانه بیرون بیندازید! برای آنکه در این کار زیاد سخت‌گیری نکرده باشید، می‌توانید موافقت کنید که در هفته، بعضی از شب‌ها تلویزیون

به سمت فرد دیگری هل می‌دهد! پس مواظب باشید که با دست خودتان، عشقتان را نابود نکنید.

۷- خانواده همسر

نه، مطمئناً تمام خانواده‌های همسر آنگونه که در فیلم‌ها به صورت منفی نشان داده می‌شوند، نیستند. پس سعی کنید که از تلقین منفی به ذهنتان کاملاً دوری کنید و این باور را در خودتان تقویت کنید که تفاهم بین همسر و خانواده شما اغلب می‌تواند گرم و صمیمانه باشد. اما نکته مهم آن است که بدانید زمانی که این تفاهم به حد کافی وجود دارد، چیزی را به همسران تحمیل نکنید. چنانچه احساس می‌کنید که همسران از رفت‌وآمدهای آخر هفته کم‌کم خسته می‌شود به او اصرار نکنید آخر هر هفته برای ناهار با خانواده شما باشد و البته این قاعده در مورد میهمانی‌های همکاران و دوستان قدیمی نیز صدق می‌کند.

۸- نبود برنامه

تشکیل خانواده به معنای گذراندن زندگی بدون در نظر گرفتن آینده نیست. شما باید به اتفاق هم آینده‌تان را بسازید. از برنامه‌های کوتاه‌مدت (مکانی که تعطیلات را در آنجا می‌گذرانید، خرید اتومبیل و...) گرفته تا برنامه‌های بزرگ‌تر (بچه‌دار شدن، عازم شهر دیگری شدن و...) بی‌درنگ در مورد آینده‌تان و اینکه چگونه با آن روبه‌رو می‌شوید فکر کنید. این عمل روابط شما را منسجم‌تر و شور و شوق پیش‌روی در زندگی را در شما شعله‌ور می‌کند!

۹- سکوت

مطمئناً عدم‌گفت‌وگو برای زندگی زناشویی مضر است. این امر بنا به دلایل مختلف اغلب ناشی از کمبود وقت و یا بی‌توجهی زن و مرد نسبت به یکدیگر است که در بالا از آنها نام برده‌ایم. با این حال، معمولاً گفت‌وگو میان زن و مرد صورت می‌گیرد، اما هیچ‌یک از طرفین به حرف‌های یکدیگر گوش نمی‌دهند... در این حالت، موضوعی را با هم مطرح کنید و سعی کنید حقیقتاً حرف طرف مقابل‌تان را بفهمید. در صورت نیاز، بی‌درنگ از یک روان‌درمانگر کمک بگیرید. البته ناگفته نماند که متأسفانه بعضی از زن و شوهرها، حرف‌هایی می‌زنند که اگر سکوت کنند و آن‌ها را نگویند، بسیار برای آن‌ها بهتر است... پس حالا تصمیم و تشخیص آن که چگونه سکوت زندگی را بشکنید، با خودتان است.

منبع: پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، آسایش، محمد حسن، فرحبخش، کیومرث، شماره ۲۷

می‌آورید که حقیقتاً هیچ کار خوشایندی برای فرزندان و همسران نیست! تنها کافی است که کار، تمام زندگیتان را به خود مشغول کند، به سرعت تنها موضوعی می‌شود که از آن در خانه حرف می‌زنید. بس کنید! سعی کنید به حد کافی زود به خانه برگردید تا قبل از شام کمی وقت برای خودتان و یا با هم بودن داشته باشید. به شرطی که طبق همان اصل اول، در این مدت جلوی تلویزیون ولو نشوید! و خصوصاً برای آنکه توجه بیشتری به یکدیگر داشته باشید، هر از گاهی کار را از یاد ببرید. به عنوان مثال می‌توانید تصور کنید که هر گاه به خانه بر می‌گردید، همانطور که جوراب‌های خودتان را از پایتان خارج می‌کنید، تمام مسائل فکری بیرون از خانه تان را هم از ذهنتان خارج کرده و آن‌ها را درون جوراب هایتان بریزید.

۴- رسیدگی به وضع ظاهر

فکر نکنید چون دیگر زن و شوهر هستید و چندین سال از زندگی مشترکتان می‌گذرد، باید نسبت به وضع ظاهرتان بی‌خیال شوید! چرا که در روایات اسلامی هم نسبت به این که هر کدام از زن و شوهر خودش را برای همسرش آراسته کند، تاکیدات و سفارشات بسیار فراوانی وجود دارد. پس بهتر است که دست از شوریدگی و نامرتب بودن بردارید، موهایتان را ژولیده و درهم رها نکنید، از ریخت‌وپاش کردن در خانه خودداری کنید و به خودتان برسید! همسران مطمئناً شما را همانگونه که هستید دوست دارد، با این حال چرا سعی نمی‌کنید خود را به بهترین شکل نشان دهید؟ به این ترتیب به او نشان می‌دهید که حضور او و تاثیری که بر او می‌گذارد برای‌تان مهم است!

۵- بی‌توجهی

یکی دیگر از دشمنان بزرگ زن و شوهرها، بی‌توجهی است. در اینجا منظور از توجه کردن گل خریدن و یا هدیه دادن نیست بلکه تنها نگاه کردن به همسران است که گاهی می‌تواند خیلی بیشتر از آنچه که تصور می‌کنید، تاثیر خوبی در زندگی تان بگذارد. زمانی که همسران آرایشگاه رفته و یا کت جدیدی خریده است به او توجه نشان دهید؛ به خصوص زمانی که او را شیک و زیبا می‌بینید و یا وقتی که او با تعریف‌های بجا و مناسب شما را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد، از او تعریف کنید. زیرا تعریف و تمجیدها همیشه خوشایند هستند، اما تنها زمانی که درست و بجا به کار برده شوند.

۶- حسادت مفرط

دست از پاییدن و سین‌جین کردن همسران بردارید زیرا زندگی مشترک براساس اعتمادی دو جانبه بنا می‌شود. شک و بدگمانی‌های بیش از حد شما، در نهایت او را به ستوه آورده و



آسیب شناسی روابط دختر و پسر

محمد قنبری کارشناس پژوهشگری

کمیتة ترویج عفاف و حجاب معاونت
اجتماعی انتظامی استان کرمانشاه



روابط دختر و پسر، دارای آفت‌ها و آسیب‌های روانی و اجتماعی
جبران ناپذیری است که چند نمونه آن به شرح زیر است:

۱. سرکوب شدن استعدادها

یکی از مهم‌ترین عواملی که با وجود رشد نیروهای جسمی، فکری و روحی نوجوان، مانع از به جریان افتادن صحیح و اصولی آنها و تأمین سعادت آینده او می‌شود، تسلط میل جنسی بر وجودش می‌باشد. عدم کنترل این میل، سبب می‌شود که تمام حواس و توجهات انسان و تمام قوای جسمی و مغزی او معطوف هوس بازی‌ها شود و اگر عملاً هم موفق به هوس بازی نگردد، تمام فکر و ذهن او به وسیله این خیالات و افکار، اشغال شده و او مجالی برای انجام کار دیگری و شکوفایی اندیشه و استعدادش پیدا نمی‌کند. این شعله‌ای که در سراسر وجودش زبانه می‌کشد، تمام تر و خشک را با هم می‌سوزاند و شکوفه‌های تازه دمیده در گلزار شخصیت معنوی اش را طعمه آتش سوزان می‌کند.

اظهار محبت به جنس مخالف از جمله مواردیست که با یک سلام و احوال پرسى ساده آغاز می‌شود و یا به انگیزه اهداف آموزشی و غیره شروع می‌شود؛ ولی به تدریج، نوع رابطه و گفت و گو تغییر پیدا کرده، بر میزان و کمیت آن نیز افزوده می‌شود و تا آن جا پیش می‌رود که انسان تمام انرژی عاطفی خود را می‌خواهد در همین گفت و گوها و ارتباط‌ها هزینه کند و هرگز به همان حداقلی که در روزهای اول داشته، اکتفا نمی‌کند و بر همین اساس است که از همان آغاز، باید از ایجاد ارتباط عاطفی و مبتنی بر احساسات، اجتناب کرد.

بنابراین، ما برای اظهار محبت به جنس مخالف (چه منشأ سوء تفاهم بشود و چه سوء تفاهمی را به دنبال نداشته باشد)، دلیل موجه و قابل قبولی را نمی‌شناسیم و در واقع، اگر هم باعث سوء تفاهم نشود، باعث سوء رفتار می‌شود و به تدریج، دو طرف در گردونه‌ای وارد می‌شوند که چه بسا هیچ کدام خواستار آن نبودند؛ گردونه‌ای که گاهی رهایی از آن، مستلزم هزینه کردن تمام انرژی روانی و جسمانی فرد و قرار گرفتن در بن بست شدید است. لازم به ذکر است که این سخن، یک ادعای صرف و بدون پشتوانه و دلیل نیست؛ بلکه مرکز مشاوره ما که در سطح دانشگاه‌ها فعالیت می‌کند، روزی نیست که نامه‌ای از جوانی که در چنین دامی قرار گرفته دریافت نکند.

۲. افت تحصیلی

این گونه روابط، باعث می‌شوند که دو طرف تمام فکر و توجه و تمرکز خود را صرف دیدارها و ملاقات‌های حضوری و تلفنی خود کنند و این بزرگ‌ترین مانع برای رشد و ترقی علمی است؛ زیرا تحصیل دانش، نیازمند تمرکز نیروهای فکری و روحی است.

دل مشغولی و اضطرابی که بر اثر این گونه پیوندها پدید می‌آید، بزرگ‌ترین سد راه تعالی علمی و تحصیلی است؛ از این رو، مشاوران مدارس و دانشگاه‌ها توصیه می‌کنند که هنگام تحصیل و امتحانات، مراسم خواستگاری و عقد را به تأخیر اندازند؛

یک تعارض درونی و اضطراب مستمر را به دنبال دارد. بنابراین، وجود چنین دلهره‌ها و اضطراب‌هایی که گاهی لطمه‌های جبران ناپذیری بر جسم و روان انسان وارد می‌کند، از آسیب‌های جدی این گونه روابط است.

همچنین هیجانات کاذب، مثل خیال ازدواج، خوش بختی و در نتیجه، شکست روحی، قربانی شدن دختران به خاطر از بین رفتن آبروی آنها و خانواده‌شان و حتی اقدام به خودکشی از دیگر آسیب‌های این نوع ارتباط است.

«وابستگی‌هایی که بین دختر و پسر ایجاد می‌شود، مانع گزینش صحیح و دقیق برای شریک آینده زندگی می‌شود و از آن‌جا که دختر یا پسر به فردی خاص وابسته شده، تمام نیکی‌ها، خوبی‌ها، زیبایی‌ها را در فرد مورد علاقه خود می‌بیند و دیگر توان مشاهده عیوب احتمالی طرف مقابل را ندارد؛ زیرا از روی علاقه و از پشت عینک وابستگی، به طرف مقابل نگاه می‌کند؛ نه با نگاه خریدار و نه با نگاه نقادانه و بررسی‌کننده‌ای که تمام نقاط ضعف و قوت او را در ترازوی حقیقت بین، مورد دقت و مشاهده قرار دهد»

دوستی و ارتباط احساسی و غیرعلاقه‌مند قبل از ازدواج، راه عقل را مسدود و چشم واقع بین انسان را کور می‌سازد و اجازه نمی‌دهد تا یک تصمیم صحیح و پیراسته از اشتباه گرفته شود. این نوع انتخاب‌ها که در فضایی آکنده از احساسات و عواطف انجام می‌گیرد، به دلیل نبود شناخت عمیق و واقع بینانه، اگر هم به ازدواج منتهی گردد، زندگی مشترک را تلخ و آینده را تیره و تار می‌سازد.

۵. محرومیت از ازدواج پاک

هر انسانی در سرشت و نهاد خویش، به دنبال پاکی و نجابت است. دخترانی که در پی روابط آلوده هستند، در حقیقت، پشت پا به سرنوشت خود زده‌اند و این امر، باعث می‌شود که آنان به جرم آلودگی به این روابط، شرایط ازدواج پاک را از دست بدهند و اگر به وسیله این گونه روابط ناسالم، در ازدواج پسران نیز تأخیر ایجاد شود دختران بیش از پسران، در معرض این آسیب قرار می‌گیرند.

«روابط دختر و پسر، بیش از آن که مفید باشد، تهدید کننده نهاد خانواده در جامعه به شمار می‌آید. با نگاهی به آمار می‌توان دید که آمار طلاق در شهرستان بین کسانی که قبل از ازدواج، ارتباط‌های دوستانه داشته‌اند، بالاتر است. از طرفی آشنایی و ارتباط دختر و پسر در محیط اجتماع، بیشتر از آن که معرفت ساز باشد، فروزنده هوس‌ها و معرفت سوز است.

تا افراد بتوانند با تمرکز و آسودگی خیال، در انجام تکالیف درسی و امتحانات موفق شوند؛ چه رسد به روابط فرصت سوز مستمری که بسیار انرژی سوز است..

«با شکل‌گیری روابط عاطفی بین دختر و پسر و افزایش تدریجی آن، زمینه وابستگی آنها به یکدیگر و تشدید آن فراهم می‌شود و از آن‌جا که نیاز به محبت و ورزیدن و مورد محبت واقع شدن، در دوران جوانی، به اوج خود می‌رسد و فضای نسبتاً مناسبی برای ارضای این نیاز (هر چند به طور غیرصحیح آن) در محیط آموزشی و دانشگاهی وجود دارد، به شکل خودکار، دختر و پسر در این کانال قرار می‌گیرند، در اکثر موارد، به طور ناگهانی و بدون توجه به نتیجه کار، گرفتار چنین گردابی می‌شوند و آن را با عنوان‌های عرف پسند و موجه، پوشش می‌دهند و باطن غیرموجه آن را با ظاهری نیکو و پسندیده، جلوه گر می‌نمایند.

به این ترتیب، علاقه ابتدایی شدت یافته، با وجود تصمیم اولیه دو طرف یا یکی از آنها، کم کم به وابستگی به یکدیگر تبدیل می‌شود.

این وابستگی، در بسیاری موارد - شاید در تمام موارد - آفت بزرگی برای تمرکز حواس، تحصیل و تفکر عمیق در امور درسی آنها می‌شود؛ به گونه‌ای که گاهی مطالعه و حضور در کلاس درس را غیرممکن می‌سازد و هر کدام از آنها در تمام اوقات شبانه روز و حتی در کلاس درس، در فکر طرف مقابل است. این سخن، ادعای بدون پشتوانه‌ای نیست و اگر به نوشته‌های چنین افرادی مراجعه کنیم، مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود

۳. ایجاد جو بدینی

اغلب این گونه دوستی‌ها و روابط، به ازدواج منتهی نمی‌شود و اگر هم به ازدواج بینجامد، پس از مدتی، جو بدینی و سوء ظن آن دو نسبت به هم، فضای زندگی‌شان را، جهنمی خواهد ساخت و هر دو در آن خواهند سوخت.

عاشق خدا، از فراق و یاد او، لذت می‌برد. عاشق غیر خدا، فقط با وصال دل خوش است و فراق، برایش رنج آور است.

۴. اضطراب، تشویش و احساس نگرانی

در دوستی‌های موجود بین دختران و پسران، از آن‌جا که مقاومتی بسیار قوی از طرف پدر و مادر یا جامعه برای ممانعت از برقراری این دوستی‌ها وجود دارد، این گونه دوستی‌ها، با مخاطرات روانی گوناگونی، مانند اضطراب و تشویش همراه است.

وجود افکار دیگری چون احساس گناه، نگرانی از تهدیداتی که توسط پسر، برای فاش کردن روابطش با دختر صورت می‌گیرد،





که این عمل، کانون گرم خانواده را در معرض تهدید قرار می‌دهد.

راهکارهای پیشگیری از روابط و دوستی‌های دختر و پسر

پیش از هر چیز باید خانواده‌ها به نقش حیاتی خود در برابر فرزندان آگاه شوند تا بتوانند الگوهای صحیح رفتاری را به فرزندان ارائه دهند و هویتی سالم و پویا به آنان ببخشند. والدین باید به نیازهای عاطفی و روحی فرزندان و شیوه‌های از روش‌های تربیتی مؤثر در این زمینه به این موارد اشاره می‌شود:

۱. تقویت ارزش‌های اخلاقی، معنوی و انسانی و سست گردانیدن معیارهای فقط مادی در نظر جوانان؛
۲. تقویت و توسعه مراکز ورزشی و تفریحی و برنامه ریزی صحیح برای اوقات فراغت جوانان؛
۳. ارائه‌ی خدمات رفاهی و اجتماعی جهت برطرف کردن کمبودهای عاطفی کودکان و نوجوانان؛
۴. پرورش احساس عزت نفس و اعتماد به نفس کودک و نوجوان در خانواده و مدرسه؛
۵. بهسازی وضع خانواده‌ها از طریق تماس با کارشناسان متخصص در امور خانواده؛
۶. استفاده از فیلم‌ها و نوارهای تربیتی؛
۷. سالم سازی محیط اجتماعی نوجوانان و از بین بردن تبعیض میان آنان؛
۸. آموزش مهارت‌های حل مسئله به نوجوانان و نیز شیوه‌های تصمیم‌گیری؛

۹. آموزش اصول بهداشت روانی به خانواده‌ها و فرزندان؛
۱۰. پرهیز از سخت‌گیری و تنبیه و همچنین اجتناب از آسان‌گیری در تربیت فرزندان؛
۱۱. تشویق فرزندان به رعایت تعادل و دوری از بی‌بندوباری صحیح پاسخ‌گویی به این نیازها واقف شوند.
۱۲. برقراری احساس امنیت در خانواده و جامعه و جلوگیری از بروز اضطراب در نوجوانان و جوانان؛
۱۳. بایستی میان والدین و فرزندان، روابط صمیمی حاکم باشد؛ تا فرزندان بتوانند در یک محیط سالم و قابل اعتماد، به راحتی مشکلات خود را با والدین در میان بگذارند.

عمدتاً دیده می‌شود فرد آن گونه که هست، خود را نشان نمی‌دهد یا به سبب محبت و عشقی که ایجاد شده، نمی‌تواند عیوب طرف مقابل و جوانب مختلف قضیه را بسنجد. بیشتر رفتارها در آشنایی‌های خیابانی به شکل‌های تصنعی ابراز می‌شود.

در یک نظرسنجی از پسران بی شماری پرسیدند: شما مایلید با کدام دسته از دختران ازدواج کنید؟ همه گفتند: مایلیم با دخترانی ازدواج کنیم که با جنس مخالف، ارتباط نداشته‌اند.

۶. عدم استقبال از تشکیل کانون خانواده

این گونه روابط و دوستی‌ها، معمولاً به انگیزه تفتن و سرگرمی شکل می‌گیرد و در خلال آن از خودباوری و زودباوری دختران، سوء استفاده می‌شود. متأسفانه در بسیاری از موارد، تفاوت عشق و هوس، دیده نمی‌شود. عشق حقیقی و پاک، با هوس‌های آلوده و زودگذر، تفاوت جوهری دارد.

برخی از این روابط که مبتنی بر هوسرانی و سرگرمی است، پس از مدتی، رو به سردی و افول می‌نهد. جاذبه و دل ربایی‌ها، مربوط به روزها و ماه‌های اول دوستی است؛ ولی دیری نمی‌پاید که این روابط، عادی شده، به جدایی می‌کشد. حس تنوع طلبی انسان از یک طرف و فقدان عامل بازدارنده از طرف دیگر، باعث می‌شود که برخی سراغ ازدواج و تشکیل خانواده نروند. جامعه‌ای که از تشکیل کانون خانواده استقبال نکند، هیچ گونه ضمانتی برای رشد و شکوفایی فضایل انسانی در آن وجود ندارد. اغلب خوبی‌ها و کمالات والای انسانی، در پرتو تشکیل خانواده‌ای سالم، به فعلیت می‌رسد.

۷- خیانت به همسر آینده

اغلب دختر و پسرهایی که با هم ارتباط دارند و نامشروع به برخی از نیازهای روانی و جسمانی شان پاسخ می‌دهند، با هم ازدواج نمی‌کنند و پس از پایان دوره‌ای که با هم مرتبط بودند، با شخص دیگری ازدواج می‌کنند و این، خیانتی به همسر آینده‌شان می‌باشد. همه سرمایه‌های جسمی، روانی و معنوی دختران و پسران، از آن همسر آینده‌شان است و آنان حق ندارند برای افراد دیگری که از سر فریب و تفتن با او دوست شده‌اند این سرمایه را هزینه کنند؛ اما متأسفانه برخی این خیانت را مرتکب می‌شوند و با ارتباط نامشروع با دیگران حقوق همسر آینده خویش را از بین می‌برند.

حرمت و شرافت شخصیتی وی را برای او بازسازی کنند. به دختران در مورد نحوه ساختن آینده خویش و ایجاد کانون گرم خانواده مبتنی بر عفت و پاکدامنی و صداقت توصیه های لازم را بکنند.

به او بفهمانند که او می تواند با پرورش فرزندان صالح و پاکدامن گذشته خود را جبران کند. وظیفه همه ی پدران و مادران است که در دوران

۱۴. والدین باید شرایط نسل جدید و واقعیت ها را درک کنند و سعه صدر داشته باشند؛ تا با هوشیاری و گفت و گوی منطقی با آنان، برای حل مشکل آنان اقدام کنند.

۱۵. دختران و پسران مسلمان و پاک، باید بیاموزند که در اولین برخورد تأثیرگذار با جنس مخالف، آن را با پدر و مادر و یا با یک مشاور آگاه و مسلمان، مطرح کنند؛ تا بتوانند از تجربیات علمی و عملی آنان بهره برده،

جوانی و نوجوانی به دختر و پسر خود محبت کافی داشته باشند تا این که آنها برای ارضای این احساس به افراد غریبه پناه نبرند و سنگ بنای زندگی و آینده خود را سست و خراب نکنند.

خلاء عاطفی و حاکم نبودن روابط محبت آمیز بین زن و شوهر و اعضای خانواده می تواند از عوامل آسیب زا باشد. تهدید و آزار علیه زنان و دختران عزت نفس آنان را از میان برده و تشنه ی کوچکترین نگاه محبت آمیز میکند. توصیه به جوانان این که ارزش انسانی خود را درک کنند و به آسانی عظمت خود را فدای لذت های پوچ و لحظه ای نکنند. این معامله ها زیانبار است که ضرر آن در بسیاری از مواقع غیر قابل جبران است عظمت خود را در یابید.

دچار آسیب های جدی شوند، تصمیم عاقلانه

ای بگیرند. اگر دختر و پسر، مسائل و معاشرت های مهم روزانه خود را با افراد مجرب مطرح کنند و والدین و مشاوران نیز بتوانند در حل مسائل آنها نقش مفید و سازنده ای را ایفا کنند، می توان امیدوار بود که جلوی بسیاری از روابط پنهانی و ناسالمی که احتمال دارد بعد از برخورد نخستین شکل بگیرد، گرفته شود. دخترانی که این تجربه تلخ و ناگوار را دارا می باشند غالباً نمی توانند چنین تعارضی را تحمل کنند. در این هنگام دست نیاز به سوی معلم یا مربی خود دراز کرده و از او کمک می خواهند به چنین افرادی توصیه می شود که در جایگاه مشاور این گونه دختران را ابتدا از طریق بازگشت به سوی خداوند و طلب مغفرت و استدعای پرده پوشی از خداوند امیدوار سازند و از این طریق

آسیب‌های فضای مجازی و تبعات روانی آن

قدرت اله نوری تبار کارشناس ارشد جامعه‌شناسی



مقدمه:

شبکه‌های مجازی و فضای مجازی این روزها بازار داغی را در بین مردم بخصوص جوانان دارد. درحقیقت زیاده روی در استفاده از تکنولوژی جدید

سلامت روان را تهدید میکند و تاثیرات مخربی را بر

روح و روان کاربران دارد. از وقتی اینترنت به ابزار ضروری در زندگی مدرن تبدیل شده است بسیاری از افراد جامعه به آن وابسته شده اند، این وابستگی میتواند به عنوان تیر خلاص بر سلامت و بهداشت روان جوانان یک جامعه را نشانه گرفته و سلامت اجتماعی را به خطر می‌اندازد.

تبعات منفی فضای مجازی:

یکی از مهمترین تاثیرات منفی فضای مجازی وابستگی و اعتیاد به این شبکه هاست. که این وابستگی پیامد ناخوشایندی به نام افسردگی به دنبال دارد، صرف ساعت‌های بی شمار در این سایت‌ها و شبکه‌ها می‌تواند باعث کاهش تمرکز و توجه شود. به ویژه در نوجوانان سطح انگیزه را کاهش میدهد. توجه بیش از حد به شبکه‌های مجازی و دنیای مجازی که در اثر رقابتی ناسالم برای جلب توجه بیشتر انجام می‌گیرد. کاربران را از دنیای واقعی و اهداف واقعی دور می‌کند. ازسوی دیگر افرادی که بیش از حد و اعتیادگونه از فضای مجازی استفاده می‌کنند احساسات منفی بیشتری را تجربه می‌کنند. کودکان نیز از جمله گروههای آسیب پذیر در برابر تاثیر شبکه‌های اجتماعی هستند. رسانه‌های اجتماعی ممکن است محتوای نامناسبی برای کودکان داشته باشد و از نظر روانی به آنها آسیب بزند.

از جمله تهدیدات این فناوری و ابزار، تهدیدات روحی و روانی است. تنهایی، انزوا، افسردگی، اضطراب اجتماعی، کاهش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، کاهش عزت نفس و در نهایت کاهش خودکارآمدی از جمله تبعات منفی استفاده بیش از حد از فضای مجازی است.

کودکان نیز از جمله گروههای آسیب پذیر در برابر تاثیر فضای مجازی هستند. رسانه‌های اجتماعی ممکن است محتوای نامناسبی برای کودکان داشته باشد و از نظر روانی به آنها آسیب بزند. کودکان همچنین به راحتی توسط سودجویان مورد سوء استفاده قرار میگیرند. صرف وقت در این شبکه‌ها نیز کودکان را از مسیر اصلی رشد و آموزش دور میکند.

سخن پایانی:

زمانی که فردی وابسته میشود انگیزه اش را برای تعامل با دیگران از دست می‌دهد همین موضوع اثرات منفی بر ارتباطات شخصی و تعاملات اجتماعی افراد خواهد داشت. در نتیجه باعث تخلیه هیجانات نامناسب افراد میشود. هنگامی که فرد نتواند تخلیه هیجانات مناسب داشته باشد و هیجانات نامناسب خود را کاهش بدهد مطمئناً به بیماری‌هایی نظیر افسردگی و اضطراب دچار میشود در پایان شایان ذکر است که فناوری‌های نوین به ذاته و تنهایی بد نیستند بلکه استفاده و شیوه‌های کاربرد آنها باعث بروز مشکلات و خطرات گوناگون خواهد شد.

منبع: پژوهشهای اخلاقی فضای مجازی شماره ۳۳ نکویی مهر، نفیسه، حسینی فرد، احمد

پیامدهای روانشناختی پدیده طلاق

جلال یشوتن فرد کارشناس ارشد روانشناسی عمومی



۲- عوامل روانشناختی:

* **عدم تفاهم و سازگاری روانی:** در برخی از موارد طلاق، وقتی از زوجین درباره علل طلاق سؤال می‌شود راحت‌ترین و در دسترس‌ترین پاسخی که خواهند داد این است که می‌گویند ما با هم سازش یا تفاهم نداریم. وقتی سؤال دقیق‌تر می‌شود که منظور از تفاهم نداشتن چیست؟ در پاسخ بسیاری از آنها مشاهده می‌شود که دلیل یا جواب مستدلی برای آن ندارند.

از مفاهیمی مثل این که او مرا درک نمی‌کند، ما با هم هیچ شباهتی نداریم، او مرا دوست ندارد، به خانواده‌اش وابسته است و مسائلی از این قبیل که بسیارند مطرح می‌شود.

این شکایات و گله‌مندی‌ها گاهی دوطرفه است یعنی هر دو زوج متقابلاً از همدیگر شکایت می‌کنند، ولی در خیلی مواقع نیز یک طرفه است یعنی یکی از زوجین عاشق و دوستدار همسر خود است و تمام و کمال حاضر به زندگی مشترک با طرف مقابل خود است ولی دیگری علی‌رغم ابراز احساسات همسرش، حالتی تنفرآمیز نسبت به او پیدا می‌کند. در این حالت است که تقریباً آن زندگی به نقطه پایان خود نزدیک شده و دیری نخواهد پایید که طلاق و متارکه زوجین نتیجه بلافاصل آن خواهد شد. پدیده ذکر شده به وفور در جلسات مشاوره زوجینی که با هم اختلاف دارند دیده می‌شود.

* **نایبختگی و عدم بلوغ اجتماعی:** برخی از ازدواج‌ها علی‌رغم این که به صورت خواسته و حتی با عشق و علاقه طرفین برای ازدواج همراه بوده ولی بعد از مدتی شاهد از هم پاشیدگی آنها هستیم.

در این نوع طلاق‌ها، ما شاهد این خواهیم بود که دختر یا پسر و یا هر دوی آنها به نوعی هنوز به درجه‌ای از رشد اجتماعی و عقلانی نرسیده‌اند که بتوانند یک زندگی مشترک را اداره

طلاق، از عوامل مهم پاشیدگی کانون خانواده معضل اجتماعی است که پیامدهای آن از مشکلات بزرگ جوامع کنونی به شمار می‌رود ولی در شرایط حاضر، به صورت متداول‌ترین راه حل یک ازدواج ناموفق درآمده است.

گسستن رابطه زناشویی و رها ساختن زندگی مشترک، زن و مردی را که با هم پیوسته بوده‌اند، به راه‌های گوناگون می‌کشاند، هر چند امکان دارد، چنین زن و مردی، هریک خوشبختی خاصی یافته یا سعادت از دست رفته را در کنار همسری دیگر بیابند اما متأسفانه چنین امکانی اندک و تنها برای حدود ۱۰ درصد اتفاق می‌افتد.

امروزه در کشورمان شاهد افزایش برخی از معضلات اجتماعی هستیم و طلاق از جمله معضلاتی است که افزایش آن شکل چشمگیر و خطرناکی به خود گرفته است. دو فرد با دنیایی از آمال و آرزو و اغلب با عشقی وافر در کنار هم قرار گرفته و پیوندی از روابط را با هم برقرار می‌کنند. پیوندی که امید می‌رود تا پایان زندگی دو نفر پایدار و استوار باقی بماند. پس چه می‌شود که تمام آرزوهای دو نفر از هم می‌گسلد و زندگی آنها قبل از موعد از هم فرو می‌پاشد.

عوامل طلاق

۱- عوامل قانونی:

از جمله عواملی که در حال حاضر به شدت طلاق‌ها را در جامعه ما متأثر می‌سازد وجود و تصویب برخی از قوانین مربوط به ازدواج و طلاق است. مثلاً قوانین مربوط به مهریه نه تنها نتوانسته مانع طلاق دادن زنان توسط مردها شود بلکه منجر به جنگ و جدال بسیاری بین زوجین شده است.

شدید اختلافات می‌افتند. کما اینکه در بسیاری از مواقع این صورت‌های زیبا عامل خوشبختی در زندگی نیستند. این افراد با ندیدن جنبه‌های مثبت زندگی خود و دیدن جنبه‌های به ظاهر مثبت و یا به واقع مثبت دیگران دچار کشمکش‌های فراوان می‌شوند و وقتی زندگی خود را از دست می‌دهند تازه می‌فهمند که چه بر سرشان آمده است.

مقایسه زندگی‌ها با همدیگر، امروزه بلایی است که می‌تواند هر زندگی خوب و زیبا را از هم متلاشی کند. اگر زوجین گرفتار

کنند، تشکیل یک زندگی مشترک مستلزم شناخت‌ها و پیش‌آگهی‌هایی است. دختر و پسری که با هم ازدواج می‌کنند باید خودشان را آماده پذیرش مسئولیت‌هایی کنند. خود را شریک زندگی و سازندگی آن بدانند، از طرف مقابل خود صرفاً بستانکار نباشند بلکه خود را بدهکار نیز بدانند. هر کدام از آنها باید خود را مسئول ساختن زندگی تلقی کنند نه این که یک زندگی ساخته شده را بخواهند. کسانی که قصد ازدواج دارند باید به این امر آگاهی داشته باشند که ازدواج پایان بخشیدن به تمام سختی‌ها

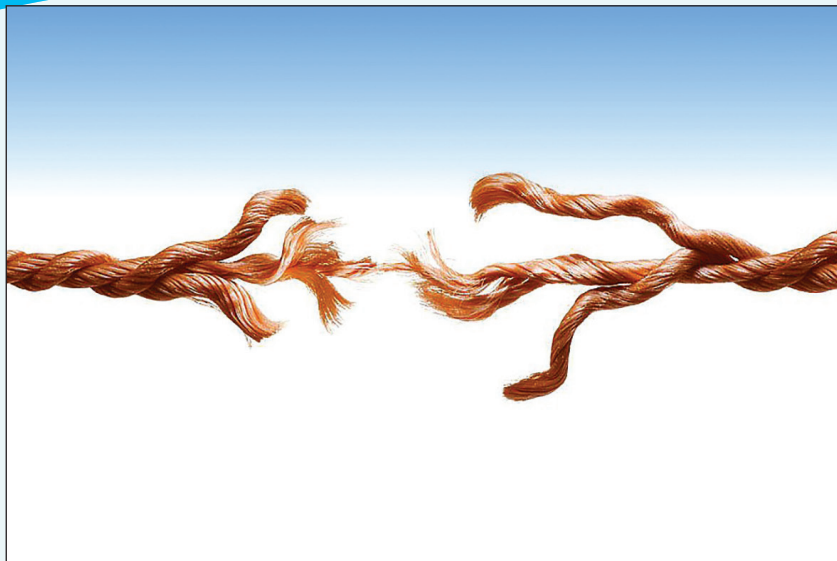


چنین حالتی شوند تحت هر شرایطی و امکاناتی هرگز به آرامش و رضایت نخواهند رسید. این وضعیت حالتی روانی را در افراد به وجود خواهد آورد که با به دست آوردن هر چیزی به موضوع دیگری فکر خواهند کرد که هرگز تمامی نخواهد داشت. پس باید خود و شرایط خودمان را بپذیریم و با تلاش و پذیرش خود گام به سوی آینده برداریم که در این صورت احساس خوشبختی خواهیم کرد.

*** ابتلا به اختلالات عاطفی و روانی:** ابتلای یکی از زوجین و یا هر دو نفر آنها به اختلالات روانی می‌تواند موجب از هم پاشیدگی یک زندگی مشترک گردد. اختلالات روانی مورد بحث می‌تواند طیف گسترده‌ای از شدت و ضعف و همچنین مشهود و غیرمشهود را دربرگیرد. مثلاً ابتلا به افسردگی از حالت خفیف آن تا حالت شدید آن که به افسردگی اساسی معروف است می‌تواند موجب اختلال در روابط زناشویی گردد که این حالتی مشهود از اختلالات روانی است. ولی گاهی اختلالاتی مانند اختلالات شخصیت که به طور مشهود در مبتلایان آن دیده نمی‌شود از عوامل ناسازگاری و تنش‌های زندگی زناشویی خواهد شد. از جمله این اختلالات می‌توان از اختلال شخصیت هیستریونیک (نمایشی) و خود شیفته نام برد. به عنوان مثال در اختلال شخصیت هیستریونیک فرد مبتلا نیاز

و مشکلات نیست بلکه به نوعی درگیر شدن با مشکلات دیگری و شاید بیشتری است که اگر به دیده درست به آن نگریسته شود زیبایی زندگی در همین حل کردن مشکلات بیشتری است که اگر به شکلی آرمانی به آن نگریسته شود چیزی جز طلاق نتیجه‌اش نخواهد بود. بعضی از خانم‌ها در جامعه ما متأسفانه ازدواج را مساوی با ورود به دنیایی که همه چیز آن زیبایی و راحتی است می‌دانند و در برخورد با اولین و کوچکترین مشکل ساختار روانی‌شان از هم گسسته می‌شود. رسیدن به یک پختگی و بلوغ اجتماعی در درجه اول به عهده والدین است و در درجه دوم ایجاد تغییر در نگرش خود افراد در شرف ازدواج به مسأله زندگی مشترک آنهاست.

*** توقعات بی‌جا و چشم و هم چشمی:** امروزه زرق و برق‌های بسیار زیاد و متنوع مانند سمی که بر اختلافات خانوادگی دامن زده گریبانگیر جامعه ما گشته و وضعیت بحرانی را در کانون خانواده به وجود آورده است. در اینجا بحث بر سر وجود چنین زرق و برق‌هایی نیست، بلکه بحث بر سر تأثیرات و برداشت‌هایی که از آنها می‌شود، است. در چنین وضعیت‌هایی زوجین غرق در چنین اوضاعی می‌شوند و خود و زندگیشان را فراموش می‌کنند. به طور خودآگاه یا ناخودآگاه با متأثر شدن از چنین وضعی و فکر نکردن درباره تداوم زندگیشان به دامن



که به نظر می‌رسد علت طلاق در طبقات پائین اقتصادی اجتماعی (مخصوصاً در شهرهای بزرگ) مسائل اقتصادی (فقر و بیکاری) باشد ولی در طبقات بالاتر اجتماعی (تحصیل کرده‌ها) عدم تفاهم و سازش اخلاقی باشد.

۴- عوامل ارتباطی

عوامل ارتباطی مشتمل است بر ارتباط و رفت و آمد با خانواده همسر (والدین، برادر، خواهر و بستگان) و نگاه و نگرش متقابلی که این دو نسبت به هم دارند. شاید بتوان گفت عوامل ارتباطی که ذکر شد در جامعه ما از بزرگترین مسائل اختلاف برانگیز در مسائل زناشویی و خانوادگی است. جایی که خود زوجین چندان اختلافی با همدیگر ندارند و مسائل فرعی دیگر مثل ارتباط با خانواده‌های طرفین برانگیزاننده مشکلات عده‌ای می‌شود. در اینجا می‌توان به روابط بین مادرشوهر، عروس - خواهرشوهر، عروس - مادرزن داماد اشاره کرد که اغلب از دیدگاه خوبی نسبت به هم برخوردار نبوده و به نظر می‌رسد در فرهنگ ما از تاریخچه‌ای بس طولانی برخوردار است.

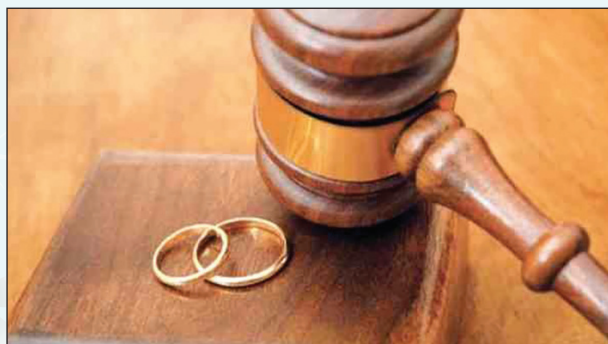
منبع: ۱- آسیب شناسی اجتماعی ستیزه‌های خانواده و طلاق نویسنده: محمد حسین فرجاد
۲- طلاق نویسنده: دکتر باقر ساروخانی

مفراط به توجه از سوی همسرش را دارد و در صورت کمترین بی‌توجهی، آشفتگی زیادی بر وی مستولی خواهد شد. در این حالت، فرد مقابلش به هر اندازه به او توجه نشان دهد، او ارضا نشده و همیشه شاکی خواهد بود. این در حالی است که خودش در مقابل این همه توجه‌طلبی، کمترین توجه را به همسرش می‌نماید ولی فکر می‌کند که بی‌نهایت این کار را انجام داده است. رفته رفته این موضوع موجب خستگی طرف مقابلش شده و بعد از مدتی به مشاجره و درنهایت تنفر زیاد از همدیگر و طلاق و متارکه می‌انجامد.

۳- عوامل اقتصادی

مسائل مالی و اقتصادی از دیگر عواملی است که می‌تواند منجر به متارکه زوجین شود. از مصادیق این عوامل می‌توان به فقر، بیکاری، بیماری و غیره اشاره کرد. از نظر بسیاری از مردم بد بودن وضعیت اقتصادی بزرگترین عامل طلاق تلقی می‌شود. در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که درست است عوامل اقتصادی نقش مهمی در امور زندگی مشترک دارد ولی خود این مسائل فی نفسه مهمترین عامل فروپاشی نمی‌باشد. در یک زندگی زناشویی زوجین اگر همدیگر را دوست داشته باشند و منطقی فکر کنند می‌توانند با داشتن حداقل امکانات زندگی با همدیگر سازگار بوده و زندگی کنند. کما اینکه در غیر این صورت با بالاترین امکانات مادی هم با یکدیگر به سر نخواهند برد.

پس قناعت و پذیرش موقعیت‌ها و وضعیت طرفین بعد از ازدواج می‌تواند این عامل را خنثی کند که متأسفانه باید اذعان کرد در جامعه کنونی ما برخی از زوجین بدون نگاه به خود و فرد مقابلش توقعات آرمانی را برای زندگی زناشویی تصور می‌کنند که به عمل رساندن آن غیرممکن بوده و با گذشت مدتی از زندگی مشترک به راهی جز راه طلاق و متارکه نمی‌انجامد. نکته دیگری که در این زمینه می‌توان عنوان کرد این است



دوستی‌های خیابانی

اصغر ملکی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی



رهبانیت و دنیا‌گریزی می‌باشد و در قرآن نیز که کتاب آسمانی دین ماست بر ازدواج تاکید و آن را مایه آرامش و تسکین خلقت دانسته و همسر را از آیات و نشانه‌های الهی می‌داند. لیکن شرع برای ازدواج قواعد و مقراتی را وضع نموده است که رعایت آن لازم می‌باشد.

در زندگی پیامبران الهی مثل حضرت موسی «ع» می‌بینیم به ریزترین مسائل حیا توجه شده و داستان معروف یوسف و زلیخا که به تعبیر قرآن احسن القصص قرآن حضرت یوسف «ع» در عین جوانی و زیبایی در مقابل عشق زلیخا به ایشان، به خداوند پناه برده و دامن خود را به گناه نیالود و با دقت در تاریخ انبیاء و اولیاء گذشته و سایر ادیان و دین مبین اسلام می‌بینیم هیچ دین و مذهبی بی بند و باری و بی قاعدگی در روابط زن و مرد را پیشنهاد نکرده است.

در نتیجه:

اولین عاملی که مورد بررسی قرار گرفت مشخص گردید ادیان آسمانی برای ازدواج قانون تعیین نموده و پیرامون خود را به داشتن حیا رهنمون ساخته‌اند.

دومین علت ممنوعیت این نوع روابط در جامعه ما قانون است که چنین روابطی را ممنوع کرده است.

سومین علت عرف می‌باشد این عامل ناشی از همان متدین بودن مرام ماست ولی وجه تمایزی با علت و فلسفه شرع دارد که باید ذکر شود.

چهارمین علت دلیل عقلی بر رد رابطه دوستی بین دختر و

یکی از نیازهای اساسی زندگی انسان، تعامل و ارتباط همنوعان خود بوده و در طول سالیان رشد، پیوسته برای بقاء و پیشرفت خویش نیازمند ارتباط با دیگران است که بین این امر با سلامت روان رابطه‌ای نزدیک وجود دارد. زیرا تمام انسان‌ها به دنبال یافتن کسانی هستند که با وجود آنها احساس خوش بختی کنند که در بین این ارتباطات انسانی نیاز به ارتباط با جنس مخالف (دوستی دختر و پسر) هم در مقطعی از زندگی انسان مطرح می‌شود و زمانی که خانواده و جامعه نقش اساسی خود را جهت یاری دادن به نسل جوان برای یافتن هویت سالم، مثبت، پویا و سازنده به خوبی ایفا نکنند، نسل جوان با آشفتگی هویت و خلاء وجودی مواجه می‌شود و برای کاهش اضطراب و رهایی از بحران هویت و سرگشتگی، به این دوستی‌ها تن می‌دهد.

چون در تصور و توهم خویش از طریق دوستی با جنس مخالف می‌خواهد به آرامش برسد او لذت این دوستی را عامل تسکین برای بحران بی‌هویتی خویش می‌داند. لذا ناتوانی خانواده و جامعه در پاسخگویی صحیح و بموقع به نیازهای اساسی نسل جوان یکی از عوامل شکل‌گیری دوستی‌های خیابانی است که می‌توان به انگیزه‌های برقراری ارتباط با جنس مخالف (دوستی‌های خیابانی) به موارد ذیل اشاره کرد:

- وعده ازدواج
- انگیزه جنسی
- توهم قدرت و جاذبه
- پناه جویی به یکدیگر
- اسلام اهمیت ویژه‌ای برای ازدواج قائل شده و مخالف

مدت دلشوره دارد که زن جدیدی وارد زندگی اش نشود. با یک لحظه تاخیر مرد او را مورد بازخواست قرار می دهد و... از همین جا زیربنای اختلاف و ناسازگاری ها گذاشته می شود و در نتیجه این ازدواج منجر به طلاق و جدایی می شود. اما در فرض دوم که این دوستی با شکست مواجه می شود ضربه اصلی به دختر وارد می گردد زیرا دختر به خاطر احساسات و عواطفی که دارد رود

پسر جوان و نوجوان می باشد.

این تنها علتی است که هیچ کس نمی تواند از آن فرار کند زیرا در مورد ممنوعیت دین گاهی غفلت موجب فراموشی دستورات دینی می گردد و در مورد ممنوعیت قانون بعثت اجرای ناقص قانون یا عدم دسترسی به همه مجرمین فرار از قانون و مجازات پیش می آید.



دل بسته طرف مقابل شده و بعد از شکست دچار طوفان عواطف و هیجانات روحی می گردد طوری که اصلاً هیچ مردی را به عنوان مرد زندگی نمی تواند قبول کند.

حال چنین دختر و پسری که وارد زندگی های جداگانه ای می شوند آیا صلاحیت این را دارند که شریک خوبی برای همسرشان باشند؟

در این فرض علاوه بر این از بین رفتن حس اعتماد، صداقت نیز که از دیگر ارکان اصلی زندگی خانوادگی است از بین می رود. چرا که هر فرد برای کتمان گذشته خود متوسل به دروغ شده و می خواهد سابقه دوستی اش با فرد دیگری را از همسرش مخفی نگه دارد و احساس گناه، شکاک، پشیمانی و افسردگی جایگزین صلح و صف، دوستی و آرامش در چنین زندگی می شود و میتوان از پیامدهای منفی دوستی های قبل از ازدواج به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- ترس از افشای ارتباط های گذشته
- ۲- برگمانی نسبت به همدیگر
- ۳- تنوع طلبی
- ۴- دشمنی
- ۵- نفرت
- ۶- جر و بحث دائمی

در مورد ممنوعیت عرف نیز در بعضی از شرایط افرادی یافت می شوند که پای بندی به عرف ندارند و کارهای ضد عرفی را خیلی راحت انجام داده و وقتی به سرزنش های اطرافیان نمی گذارند. ولی فرار از ممنوعیت عقلی امکان پذیر نیست و با استدلالات عقلی که بیان خواهد شد هر وجدان بیداری به قضاوت نشسته اعمال خود را می سنجد و هیچ راه فراری از وجدان و عقل انسان نیست.

دوستی های خیابانی، عاری از شکوفایی محبت و عشق واقعی است و بیشتر یک پیوند غریزی است.

اگر هم به ازدواج منتهی شود پشوانه عشق و محبت ندارد و چنین ازدواجی دوام پیدا نمی کند زیرا پسر و دختر جوان بیشتر شریک لذت های جنسی یکدیگر بوده اند و زندگی واقعی پس از ازدواج امری فراتر از ارضای غرایز جنسی است. در تجربه این دوستی ها فرصتی برای انتخاب و شناخت صحیح یکدیگر به وجود نمی آید. زیرا در اوج هیجانات ناشی از غرایز جنسی افراد نمی توانند عاقلانه و آگاهانه یکدیگر را بشناسند و انتخاب کنند. اگر هم اجباراً ازدواجی صورت گیرد پس از مدتی کوتاه به جدایی و طلاق منتهی می شود. لذا در صورت فرض ازدواج حس اعتماد به طرف مقابل که یکی از ارکان اساسی زندگی زناشویی است از بین می رود. طرفین هر لحظه انتظار خیانت طرف دیگر را دارند.

مرد بیرون از خانه دل به کار نمی بندد چرا که خانه اش مطمئن نیست در بعضی موارد پیش آمده که مرد، زن خود را در داخل حبس نموده درها را از روی او قفل کرده است از طرفی زن تمام

تأثیر همسالان بر رفتارهای نوجوانان به سمت اعتیاد

مریم چوپانی کارشناس ارشد روانشناسی عمومی



منحرفین و معتادان معمولاً دوست دارند که رفقا و دوستان و اطرافیان خودشان را همانند خود بنمایند.

سخن پایانی:

از آنجایی که سیگار دروازه ورود به سایر اعتیادهاست باید از دوستان سیگاری دوری نمود حتی بسیاری از نوجوانان متعلق به خانواده‌های عاری از مواد مخدر اولین تجربه استعمال مواد را از دوستانشان می‌گیرند.

در بیشتر موارد اولین مصرف مواد به دنبال تعارف دوستان صورت می‌گیرد. ارتباط دوستی با همسالان مبتلا به سوء مصرف مواد، عامل مستعد کننده قوی برای ابتلا نوجوانان به اعتیاد است و مصرف کنندگان مواد، برای گرفتن تایید رفتار خود از دوستان، سعی می‌کنند آنها را در مصرف مواد با خودشان همراه کنند. بنابراین نتیجه می‌گیریم ترغیب دوستان و همنوایی با آنها به عنوان مهمترین عامل موثر برگرایش جوانان و نوجوانان به اعتیاد هست.

منبع:

راهکارهای پیشگیری از اعتیاد در نوجوانان

نویسنده: شهره مرتضایی شمیرانی

سوء مصرف مواد مخدر در نوجوانان

نویسنده: فرهاد طارمیان

مقدمه:

متأسفانه قربانیان پدیده ویرانگر اعتیاد از گرانبهاترین سرمایه‌های مملکت یعنی جوانان هستند و مسئله مصرف موادمخدر نه تنها به دلیل اثرات زیانباری که بر فرد دارد بلکه بخاطر پیامدهای منفی آن برای جامعه به مسئله اجتماعی مهم و خطرناکی تبدیل شده که باید برای رفع پیامدهای آن برنامه ریزی‌های دقیق و حساب شده‌ای داشت و بهترین راه برای مبارزه با این مسئله شناخت علمی چگونگی و چرایی این موضوع برای کاهش آن است.

تأثیر همسالان بر نوجوانان:

نوجوانان در دوره‌ی بلوغ بیش از هر زمان دیگر تحت تأثیر گروه همسالان و دوستان قرار می‌گیرد چرا که در این دوره نوجوان از اتکای خود به خانواده کاسته و ناچاراً در صدد پیدا کردن تکیه گاه‌های دیگری که مهم ترین آنها گروه همسالان هستند بر می‌آید. یک نوجوان معمولاً تحت تأثیر اعمال و رفتار و گفتار و افکار دوستان خود قرار دارد و نظرات آنها را بدون مقاومت قبول می‌کند. در همین دوستی هاست که نوجوان برای اولین بار، خواهش دوست خودش را قبول می‌کند و نادانسته با تجربه مصرف موادمخدر، زندگی خود را به خطر می‌اندازد، از طرفی

کمال گرایی بیش از حد چیست؟!

فواد فاطمی کارشناس روانشناسی



اعتماد به نفس

کمال گرایی روی اعتماد به نفس اثر منفی می‌گذارد. کمال‌گرایان، ارزش فردی خودشان را وابسته به چیزی می‌دانند که در جست‌وجوی رسیدن به آن هستند و باور دارند که دیگران نیز بر همین اساس، آنها را قضاوت می‌کنند. از آنجا که این افراد هرگز از داشته‌هایشان راضی نیستند، هرگز نمی‌توانند مطابق استانداردهایی که برای خودشان تعیین کرده‌اند، زندگی کنند. این وضعیت سبب می‌شود که آنها دائم خودشان را قربانی انتقادات و سرزنش‌های خودشان کنند.

تعلل

کمال گرایی با تعلل ارتباط نزدیکی دارد. برای مثال، یک فرد کمال‌گرا تا زمانی که راه کامل و بی‌عیب و نقص انجام یک پروژه را پیدا نکند، آن را آغاز نمی‌کند. این فرد کمال‌گرا به علت تعلل، معمولاً از کارهایش عقب می‌ماند و این روال بر اعتبار و روابط کاری او اثر می‌گذارد.

تأثیر بر خلاقیت

یکی از عواقب کمال گرایی این است که ماهیت دست‌وپاگیری دارد. کمال گرایی نمی‌گذارد ریسک کنیم. این حالت، سبب افت توانایی خلاقیت و نوآوری ما می‌شود.

کمال گرایی چیست و چه تاثیری بر زندگی شما دارد؟ آیا تاکنون شما را کمال‌گرا خوانده‌اند؟ آیا خودتان را یک کمال‌گرا می‌دانید؟ آیا با انواع کمال گرایی آشنا هستید؟ با اینکه همه دوست دارند کارهایشان را با کیفیت بالایی انجام بدهند، اما کمال گرایی بیش از حد نیز می‌تواند برخلاف انتظار، نتیجه منفی به بار بیاورد.

برای مثال، کمال گرایی بیش از حد برای اعتماد به نفس ما و کسانی که با ما کار می‌کنند، مخرب است. این خصیصه در روابط ما تنش ایجاد می‌کند و در برخی موارد، می‌تواند مشکلاتی برای سلامتی ما هم داشته باشد.

در این مقاله، به دلایل مخرب بودن کمال گرایی بیش از حد و راه‌های غلبه بر آن می‌پردازیم.

عواقب کمال گرایی بیش از حد

وقتی کمال گرایی از حد بگذرد و به سوی کمال‌گرایی ناسازگار کشیده شود، جلوی موفقیت فردی و حرفه‌ای را می‌گیرد. برخی از عواقب کمال گرایی بیش از حد عبارت‌اند از:

سلامت عمومی

طبق تحلیل‌های انجام‌شده کمال گرایی با مشکلاتی در حیطه سلامت عمومی از قبیل اختلال در خورد و خوراک، افسردگی، میگرن، اضطراب و اختلالات شخصیت مرتبط است.



نشانه‌های فرد کمال‌گرا

اگر کمال‌گرایی شما به یک مشکل تبدیل شده، شناسایی آن کار آسانی است. حتماً برخی از ویژگی‌های زیر را در رفتارهای خودتان خواهید دید: اهداف سخت یا غیرواقع‌بینانه دارید. اگر نتوانید بهترین باشید، گاهی تسلیم می‌شوید و آن هدف را رها می‌کنید. به هر اشتباهی به‌عنوان شکست نگاه می‌کنید و اگر کسی، کار یا پروژه‌ای را بهتر از شما انجام دهد، شما احساس شکست می‌کنید. همچنین، ممکن است اشتباهاتتان را از دیگران مخفی کنید. معمولاً کارتان را دیر تحویل می‌دهید، چون دائم در حال بازبینی آن هستید و تعلل می‌کنید. وقتی به هدفی که می‌خواهید نمی‌رسید، احساس ناراحتی می‌کنید. ریسک کردن را دوست ندارید، چون هیچ تضمینی وجود ندارد که با ریسک پذیری بتوانید کارتان را کامل و بدون عیب و نقص انجام بدهید. تفکر شما معمولاً یا همه یا هیچ است، یا به چیزی که می‌خواهید تمام و کمال می‌رسید، یا اگر چنین نشود، خود را شکست خورده تلقی می‌کنید. زیاد پذیرای انتقاد و بازخورد نیستید. ممکن است دیگران را هم با استانداردهای غیرواقع‌بینانه خودتان بسنجید و زمانی که همکارانتان مطابق انتظارات شما عمل نکنند، از آنها انتقاد کنید. بنابراین با این رویکرد، روابط خوبی در محل کار نخواهید داشت. در واگذاری کار به دیگران مشکل دارید. یا برخی از این ویژگی‌ها را در خودتان پیدا می‌کنید؟ اگر چنین است، نگران نباشید. در ادامه، به روش‌های مدیریت این رفتارها می‌پردازیم.

مرحله ۱: شناسایی رفتارها

کار خود را با فهرست کردن تمام کارهایی آغاز کنید که باید بدون عیب و نقص انجام دهید. برای مثال، شاید کارتان را بارها بررسی می‌کنید یا از ترس درست انجام ندادن کارتان، آن را دیر تحویل می‌دهید. شاید خیلی زود به محل ملاقات می‌رسید، چون از دیر رسیدن می‌ترسید. یا شاید زمانی را که می‌توانید به استراحت کردن یا کار روی پروژه‌های دیگر اختصاص دهید، مدت بسیار زیادی را صرف مرتب کردن میز کار خود می‌کنید. همچنین، کارهایی را فهرست کنید که به خاطر کمال‌گرا بودن، آنها را انجام نمی‌دهید.

مرحله ۲: شناسایی باورها

در کنار هر رفتار، یادداشت کنید که چرا باور دارید این عمل باید بدون عیب و نقص باشد. برای مثال، تصور کنید هرگز کاری را به دستیاران واگذار نمی‌کنید، حتی اگر او را برای این کار استخدام کرده باشید. شما معمولاً تا دیروقت کار می‌کنید تا وظایفی را به اتمام برسانید که دستیار شما هم می‌تواند آنها را انجام دهد. شما کاری را به او واگذار نمی‌کنید، زیرا باور دارید که او به‌درستی آن کار را انجام نخواهد داد و این وجهه شما را خدشه‌دار خواهد کرد.

مرحله ۳: به چالش کشیدن رفتارها

زمانی که رفتارهای کمال‌گرایانه را شناسایی کردید، برای غلبه بر هر یک از آن رفتارها، یک گام مشخص بردارید. برای مثال، سعی کنید کاری غیرضروری را به دستیاران واگذار کنید. زمانی که او کار را به اتمام رساند، برای اینکه مطمئن شوید او کارش را به‌درستی انجام داده است، یک بار کارش را بررسی کنید. حتی اگر کار خودتان را بارها بررسی می‌کنید، چون باور دارید که شاید اشتباهی در کارتان باشد، سعی کنید بررسی خود را به دو بار کاهش دهید: یک بار پس از پایان کار و یک‌بار در پایان روز.

مرحله ۴: ارزیابی نتایج

زمانی که رفتارهای کمال‌گرایانه را با موفقیت به چالش کشیدید، به اتفاقاتی که افتاده است، فکر کنید تا متوجه شوید با به چالش کشیدن آنها، هیچ عواقب منفی حاصل نمی‌شود. از این ارزیابی چه چیزی را یاد گرفتید؟

سپس، این مراحل را در مورد رفتارهای مختلفتان مرتباً تکرار کنید. احتمالاً، هنگام به چالش کشیدن رفتارهای کمال‌گرایانه‌تان، کمی اضطراب را تجربه خواهید کرد. این امر طبیعی است. با وجود این، هنگامی که نتیجه را ببینید، اضطرابتان به طرز فوق‌العاده‌ای کم خواهد شد.

مرجع: مقاله رابطه کمال‌گرایی والدین نویسنده: جعفریان، صادق، سمیعی، مریم

داستانک

«از دواج موقت»

ژاکلین سپهری



پگاه تنها نبود و از همسر مرحومش دختر جوانی داشت که تازه به سن نوزده سالگی رسیده بود و برای خود خواستگاری هم داشت، اما دخترش مهنا مثل خیلی از دخترهای دیگر جوابش این جمله معروف بود: فعلاً قصد ازدواج ندارم، می‌خوام ادامه تحصیل بدم!... مهنا ترم اول پیراپزشکی دانشگاه درس می‌خواند و به قول خودش قصدش از دانشگاه رفتن پیشرفت و کمک به مادری بود که پس از فوت شوهری که کوچکترین حقوقی از خود به جا نگذاشته بود، حرفه‌ی خیاطی را پیشه کرده بود تا بتواند بدون کمک گرفتن از دیگران او را بزرگ کند و در این راه همه‌ی سعی و تلاش خودش را به کار گرفت تا به قول خودش خیاط خانه‌ای نه چندان بزرگ راه بیندازد. روزها و سالها گذشتند و همین که به خودش آمد متوجه شد هشت سال از زمان بیوه شدنش گذشته و در این مدت بیشترین چیزی که او را اذیت می‌کرد خلأی به نام همسر بود. کسی که می‌توانست غمخوار و یاری دهنده اش در حل مشکلات زندگی باشد. در این مدت خواستگاری هم بودند که با واسطه به او پیشنهاد ازدواج داده بودند اما هرکدام یا سنشان خیلی زیادتر از او و مشکلات خودشان را داشتند و یا صاحب چند

زمستان بود، هوارو به تاریکی می‌رفت. دانه‌های ریز و درشت برف به آرامی می‌بارید و سرمای زمستان را دلچسب‌تر می‌کرد!... پگاه خانم، پرده‌ی پشت مغازه‌اش را با دست کمی کنار زد و بیرون را نگاه کرد. مغازه‌ها یکی یکی در حال تعطیل شدن بودند، اما او می‌خواست تا آنجا که به قول خودش جانش می‌کشید، کار کند تا سفارش‌های خانم محمودی را تمام کند. او مشاور تربیتی دبستان کوچه پشت خیاطی او بود. یکماه پیش که خانم محمودی به طور اتفاقی برای دوختن چادر به آنجا آمده و کار او را دیده و درد دل‌هایش را شنیده بود، دوختن چادرهای جشن تکلیف دبستانی را که کار می‌کرد به او سپرده بود. پگاه هم چندین طرح و مدل زد و مدرسه فرستاد که یکی از آنها پذیرفته شد!... کار به نظر ساده‌ای می‌رسید اما ریزه‌کاری‌های زیادی داشت که باید با دست انجام می‌شد. از نود و سه تا چادر ده تایی آن باقی مانده بود و او دلش می‌خواست قول فردایش را به پس فردا موکول نکند!... بخصوص که خانم محمودی دو روز یکبار تماس تلفنی می‌گرفت و یا حضوری سر می‌زد تا هم روند کار را از نزدیک ببیند و هم آنکه درد دل‌های پایان ناپذیرش را گوش کند تا شاید بتواند کمکی به او بکند!..

بچه ای که در اولین روز مدرسه رفتنش بجای مادر، می‌بایست مادر بزرگش او را آماده می‌کرد، به دلیل وابستگی زیاد عاطفی اش به کیوان خودش را قانع می‌کرد!... اما این جدایی کیوان را که بی دلیل زنش را طلاق داده بود، دستخوش ناراحتی و عذاب روحی، روانی عجیبی کرده بود که چند ماه طول کشید تا به شرایط جدیدی که برایش پیش آمده بود کنار بیاید. با این حال، با وجود انتظار طولانی پگاه برای ازدواج رسمی با کیوان بیهوده بود و گویی کیوان همچنان بهانه‌های مختلفی برای به تعویق انداختن ازدواج با او داشت، طوری که به نظر می‌رسید به کلی از ازدواج با او منصرف شده است. اما پذیرفتن مرد دیگری برای او که حالا نه تنها سی و هشت سال را پشت

بچه‌ی قدونیم فد بودند و یا شغل درست و حسابی نداشتند!... تا اینکه به واسطه‌ی یکی از دوستانش با آقایی به نام کیوان که شش سال از خودش کوچکتر بود، آشنا شد!... او جوانی تحصیلکرده، ورزشکار و دارای شغل و درآمد خوب و ثابتی بود!... ابتدا اختلاف سن با کیوان از نظر او که یک زن با تجربه بود خیلی مهم می‌آمد اما از نظر کیوان مسأله‌ای بسیار پیش افتاده بود!... پس از مدتی دیدار او و ملاقات آنها به قصد آشنایی بیشتر، ادامه داشت و تداوم این دیدارها علاقه‌ی خاصی بین آن دو به وجود آورد که لازمه‌ی هر ازدواجی بود!... اما کیوان از او خواست مدتی صبر کند تا کارهایش را سر و سامان دهد،



سر گذاشته بود که بلکه طعنه و کنایه و سرکوفت‌های خانواده، دوستان و حتی دخترش را به جان خریده و وجهه‌ی شخصیتی خودش را تا حدود زیادی از دست داده بود، کار ساده‌ای نبود و در این مدت دلش می‌خواست راهی برای کنار آمدن و حل این مسأله پیدا کند، بخصوص که با وجود خوب بودن کارش از تعداد مشتریان هم کم شده بود!... اما در دلش خدا را شکر کرد که خداوند کسی را مانند خانم محمودی بر سر راهش قرار داد تا بخشی از کمبودهای مالی اش را با سفارش‌های دیگر جبران کند!... از همه مهمتر اینکه خانم محمودی قول داده بود تا برایش نام و نشانی مرکزی را در صفحه‌ی شخصی اش بگذارد که می‌توانست کمک زیادی برای حل مشکلش باشد!... در همین افکار بود که صدای تک زنگی او را به خود آورد!... گوشی اش را نگاهی کرد!... خانم محمودی نام و نشانی مرکز مشاوره آرامش پلیس را در صفحه‌اش گذاشته بود!... با خواندن نام و نشانی خوشحال به ادامه‌ی کارش پرداخت حس می‌کرد انرژی مضاعفی به سراغش آمده که به زودی و به راحتی تمام نمی‌شود.

بعد ازدواج کنند. و تا آن زمان صیغه (عقد موقت) کنند. او که می‌ترسید این فرصت را از دست بدهد، پذیرفت!... دو سال گذشت!... زمان ازدواج موقت آنها طولانی شد تا جایی که مهنا دخترش که آن زمان پانزده سال داشت متوجه این موضوع و در نتیجه از هر دو متنفر شده بود!... از طرفی خانواده‌ی پگاه و حتی دوستانش او را طرد کردند!... موضوعی که باعث شد به دنبال کشف بهانه‌های واهی کیوان برای عقب انداختن ازدواج دائمش با او باشد و تازه آن زمان بود که فهمید دلیل این قضیه زن و بچه داشتن کیوان است. موضوعی که نزدیک بود ارتباطش را به کلی با کیوان قطع کند!... اما کیوان نپذیرفت و گفت: به خاطر اختلافی که با همسرش دارد در حال طلاق و جدایی از اوست. از طرفی همسر کیوان که متوجه رابطه‌ی آن دو شده بود چندین بار با او و خانواده‌اش جنگ و جدل و مشاجره‌ی لفظی به راه انداخت. آنچنان که تصمیم گرفت از زندگی کیوان خارج شود، اما عشق و علاقه‌ی زیاد به وی، مانع این کار می‌شد. عشق و علاقه‌ی ای که شش سال طول کشید و در این سیکل زمانی بالاخره کیوان از همسرش جدا شد!... جدایی که علیرغم عذاب وجدانش که به خاطر دختر



مشکلات فرزندان طلاق

سحر فرهمند کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

فصلنامه علمی آموزشی «پیام آرامش بیستون»
سال هشتم • شماره ۲۹ • تابستان ۱۳۹۸

۲۷

مشکلات فرزندان طلاق مانند افت تحصیلی، روابط بین فردی ضعیف، استرس، ترس، مشکلات انطباقی با شرایط جدید، عزت نفس پایین، خشم و بسیاری موارد دیگر. مثلاً فرزندان طلاق سخت به دیگران اعتماد می‌کنند و به سختی قانع می‌شوند که آدم‌ها می‌توانند صادق باشند. از مشکلات فرزندان طلاق این است که به چیزهای بی دوام بیشتر اهمیت می‌دهند و برعکس برای چیزهای مهم تر اهمیت کمتری قائلند.

مشکلات فرزندان طلاق در سن‌های مختلف باهم فرق دارد و به انواع مختلفی بروز پیدا می‌کند. در ادامه برخی از مشکلات فرزندان طلاق را می‌آوریم:

احساس گناه

وقتی والدین طلاق می‌گیرند، کودک این حس را پیدا می‌کند که خودش مقصر اصلی این جدایی است و همیشه احساس گناه و عذاب وجدان همراه اوست. کنار آمدن با این احساس گناه برای کودک بسیار سخت است. این احساس شرمندگی مداوم، اعتماد به نفس و عزت نفس کودک را از بین می‌برد. احساس گناه از عمده

دوران کودکی حساس ترین مرحله‌ی زندگی انسان هاست. شکل گیری شخصیت پایه در دوران کودکی روی می‌دهد. هر اتفاقی که شاید در زندگی بزرگسالان امری عادی و زودگذر باشد، برای کودک یک امر سرنوشت ساز و تاثیرگذار است. مثلاً یک دعوای عادی که برای یک زن و شوهر پیش می‌آید و فردایش آن را فراموش می‌کنند، اگر مقابل چشم فرزندان اتفاق بیفتد ممکن است به او ضربه‌ی روحی وارد کند.

خانواده یکی از اساسی ترین نهادهای اجتماعی است که مهم ترین نقش را در رشد و پرورش شخصیت کودک دارد. به همین دلیل هر گونه اختلالی که در خانواده ایجاد شود تاثیر مستقیم و غیرقابل انکاری روی کودک می‌گذارد.

دعوای والدین در حضور کودکان باعث اضطراب، احساس ناامنی و نداشتن آرامش در کودکان می‌شود. این اضطراب بقدری زیاد است که در برخی موارد جدایی والدین و دور بودن از این تنش‌ها برای کودک بهتر است. البته مشکلات فرزندان طلاق هم کم نیست. فرزندان طلاق از نظر روحی همواره با مشکلاتی روبرو می‌شوند و سازگاری با وضعیت جدید برایشان سخت خواهد بود.

ترین مشکلات فرزندان طلاق است و باعث بروز مشکلات روحی دیگر مانند رفتارهای درون ریزانه می‌شود. این کودکان طوری رفتار می‌کنند که انگار همیشه گناهکارند.

چندین بار عذرخواهی می‌کنند و سعی می‌کنند کارهایی انجام دهند که آن‌ها را بچه‌ی خوبی نشان دهد.

در موارد حادث‌تر کودک علاوه بر اینکه احساس می‌کند عامل جدایی والدینش است، احساس می‌کند عامل وقوع هر پدیده‌ی دیگر نیز هست و باعث تکبر و خودبزرگ بینی او می‌شود.

رفتارهای برون ریزانه

مشکلات بعضی از فرزندان طلاق به شکل رفتارهای برون ریزانه نمود پیدا می‌کند. این نوع رفتارها در کودکان برون گرا و پسران بیشتر دیده می‌شود.

این کودکان نمی‌توانند خشمی که درونشان

بوجود آمده را در قالب کلمات به پدر و مادرشان توضیح دهند و پرخاشگری زیادی نشان می‌دهند. بخصوص اگر به مدت طولانی در معرض دعوای فیزیکی و کلامی پدر و مادرشان قرار گرفته باشند. رفتارهای برون ریزانه علاوه بر پرخاشگری به شکل‌های مختلفی نمود پیدا می‌کنند. مانند اختلال کم توجهی، اختلال بیش فعالی، اختلال نافرمانی مقابله ای و...

- اختلال کم توجهی: همان طور که قبلاً گفتیم برخی از کودکان طلاق فکر می‌کنند عامل اصلی اتفاقات اطرافشان هستند و دچار خودبزرگ بینی می‌شوند. به همین دلیل نسبت به احساسات دیگران کم توجه و بی ملاحظه اند.

- اختلال بیش فعالی: یکی از مشکلات برون ریزانه‌ی فرزندان طلاق بیش فعالی است. کودکانی که به این اختلال دچار هستند

بسیار بی نظم، ناآرام و آشوبگرند.

- اختلال نافرمانی مقابله ای: کودکانی که این اختلال را دارند به حرف بزرگترشان گوش نمی‌دهند و برعکس حرف آن‌ها عمل می‌کنند. این نافرمانی بیشتر در مدرسه یا مهدکودک دیده می‌شود.

رفتارهای درون ریزانه

برعکس مورد قبل، برخی از کودکان دچار رفتارهای درون ریزانه می‌شوند. مثلاً منزوی می‌شوند، در معرض افسردگی قرار می‌گیرند، اضطراب زیادی دارند، سکوت‌های طولانی می‌کنند، ناامیدند و شکایات جسمانی می‌کنند. این رفتارهای درون ریزانه از کمبود اعتماد بنفس و عزت نفس، سرچشمه می‌گیرد. همان طور که قبلاً گفتیم یکی از مشکلات فرزندان طلاق احساس گناه است که باعث کمبود اعتماد بنفس می‌شود.

مشکلات فرزندان طلاق بر حسب سن

- یک تا سه سالگی: بازگشت به سنین پایین تر از لحاظ رفتاری، اختلال خواب و تحریک پذیری، آسیب پذیری در روند رشدی.

- سه تا شش سالگی: کابوس شبانه، بی اعتمادی، عدم شکل گیری استقلال شخصی، احساس خلاء عاطفی.

- شش تا دوازده سالگی: احساس غم و دلتنگی، احساس گناه، احساس عدم کفایت.

- دوازده سالگی به بالا: افسردگی، عصیانگری و لجبازی، پرخاشگری، اختلال در شکل گیری هویت فردی.



باعث جدایی شما شده و احساس گناه کند. با او درمورد جدایی تان گفت و گو کنید و به سؤالاتش جواب دهید. تأکید کنید که این جدایی تقصیر کودک نیست. البته لازم نیست تمام حقیقت را به او بگویید. مثلاً اگر علت جدایی از همسر تان خیانت یا اعتیاد او بوده، لزومی ندارد آن را به کودک بگویید. ولی حتماً متناسب با ذهن کودک توضیح درستی درمورد دلیل جدایی تان بدهید. مثلاً به او بگویید با هم تفاهم نداشتیم، یا با هم خوشحال نبودیم و تصمیم گرفتیم جدا از هم زندگی کنیم، یا مثلاً بگویید با پدرت صحبت کردیم و به این نتیجه رسیدیم که جدا زندگی کردن بیشتر به نفعمان است.

راهکارهایی برای کاهش آسیب و مشکلات فرزندان طلاق

وقتی والدین طلاق می‌گیرند کودک یک شرایط بحرانی را سپری می‌کند و هیچ تضرینی وجود ندارد که از این شرایط آسیب نبیند. ولی با رفتارهای درست والدین این آسیب و استرس می‌تواند به حداقل برسد و کودک با فرآیند طلاق سازگار شود. گذشته از این اگر شرایط بعد طلاق بهتر و آرام‌تر از شرایطی باشد که کودک هنگام زندگی با پدر و مادرش داشته، می‌توان گفت که طلاق آسیب‌های وارده به فرزندان را کمتر می‌کند. طلاق توافقی آسیب کمتری به فرزندان می‌رساند.



- از کودکان نخواهید که بعد از دیدن همسر تان برای شما خبر بیاورد و خبرچینی کند.
- سازگاری با شرایط جدید به اندازه کافی استرس زا هست. سعی نکنید او را از مدرسه، دوستان، خواهر و برادر و محیط قبلی‌اش جدا کنید.
- در صورتیکه قصد ازدواج مجدد دارید به کودکان توضیح دهید که فرد جدید قرار نیست جای پدر و مادرش را بگیرد و اگر خودش دوست داشت می‌تواند او را پدر یا مادر صدا کند. همچنین خبر ازدواج تان را ناگهانی به کودک ندهید. اجازه دهید کودک چند بار او را ببیند و کم کم با مسأله کنار بیاید.

برای کاهش مشکلات فرزندان طلاق راهکارهای زیر را به کار گیرید:

- بعد از طلاق، کودکان باید مطمئن باشند که هم به پدر و هم به مادرشان دسترسی دارند و به شکل منظم و ثابتی آن‌ها را می‌بینند. کودک هم به پدر نیاز دارد هم به مادر و حضور یکی از آن‌ها کافی نیست.
- چهره‌ی همسر سابق خود را برای کودکان خراب نکنید و از او بدگویی نکنید. اجازه دهید کودکان همچنان او را دوست داشته باشد و با او رابطه‌ی خوبی داشته باشد.
- به سؤال‌های کودک درمورد جدایی تان پاسخ دهید. بعد از جدایی تان سؤالات زیادی ذهن کودک را درگیر می‌کند. با جملاتی مانند «وقتی بزرگ شدی در این مورد حرف می‌زنیم» یا «به تو مربوط نمی‌شود»، ذهن کودک را درگیر سؤال‌های بی‌جواب نکنید. اگر کودک دلیل جدایی تان را نداند ممکن است فکر کند خودش

منبع: فرزندان طلاق نویسنده: محمدصادق زمانی، غلامعلی لواسانی، سحر صمدی

مفهوم و مصداق جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی

سعید عمی کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی



در تمام کشورها، رقم سیاه بزه کاری در این جرایم بیش از سایر جرایم است. شاید مهم ترین دلیل آن، عدم تمایل بزه دیده به گزارش موضوع به پلیس برای جلوگیری از لکه دار شدن حیثیت او در خانواده و اجتماع است.

ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت، از سیاست بزه کوشی اسلام در مواجهه با اینگونه جرایم ناشی می شود. این سیاست که در قوانین جزایی ما نیز تبلور یافته، به تاکید شارع بر منع اشاعه ی فحشا مبتنی است، امری که در قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و معصومین (ع) نیز بر آن دلالت دارد.

در حقیقت تاکید این ماده بر ممنوعیت از هرگونه تلاش برای کشف یا اثبات جرم است. و لذا تعقیب در جرایم منافی عفت ممنوع است. بنابراین در فرض نبودن شاکی خصوصی و غیر مشهود بودن جرم و یا غیر عفت یا غیر سازمان یافته بودن جرم، قاضی دادگاه حق صدور دستور قضایی برای کشف جرم یا انتساب به متهم و پرسش از هیچ شخصی را نخواهد داشت.

مفهوم عام رابطه نامشروع: عبارت است از «هر رابطه ای که شرع اسلام آن را مجاز نداند» و شامل بر قراری هرگونه رابطه بین دوانسان است که از لحاظ شرع منع شده است و می تواند هر نوع رابطه بین اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی) در برمی گیرد که البته باید توسط نصوص شرعی مشخص شود. به طور مثال، ارتباط یک شخص ایرانی با دولت متخاصم جهت دادن اطلاعات مجرمانه، جرم جاسوسی محسوب شده و این ارتباط از طرف شرع منع شده است. همچنین ارتباطات گوناگون دیگری مانند ربا، رشا و ارتشا نیز نامشروع تلقی می شوند. چراکه ربا و ارتشا هم نوع رابطه میان انسان ها است که در شرع اسلام منع شده اند.

بر اساس ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در موارد ذیل:

الف: جرم در مرعی و منظر عام واقع شده باشد. (جرم مشهود)
ب: دارای شاکی خصوصی باشد.

پ: به عفت باشد. (همراه با اجبار و اکراه باشد)
ت: سازمان یافته باشد.

ث: بر اساس اعلام سازمان های مردم نهاد (تبصره ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری)

در صورت وجود یکی از موارد چهارگانه فوق تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام میشود.

تبصره ۱) در جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدوا قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می نماید.

تبصره ۲) قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

تبصره ۳) در جرایم مذکور در این ماده، اگر بزه دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه دیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد.

قانونگذار در تدوین قانون آیین دادرسی کیفری جدید (مصوب سال ۱۳۹۲) تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت را توسط مقام قضایی و ضابطان دادگستری (نیروی انتظامی و...) را در مقایسه با قانون آیین دادرسی کیفری قدیم تا حدود زیادی تقلیل داده است.

متناقض خواهد بود؛ ضروری است قانون گذار به مانند آنچه در قانون مجازات عمومی سابق آمده بود، افراد ذی نفع برای شکایت در جرایم منافی عفت مشخص کند. به رغم نوآوری هایی که در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب در خصوص تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت، افرادی که حق شکایت خصوصی دارند، تصریح نشده است.

در خصوص شبکه های اجتماعی موضوع کمی متفاوت است با این توضیح که داده های شبکه های اجتماعی مثل تلگرام داخلی نیستند که دادگاه بتواند از آنها استعلام نماید پلیس فتا نیز از طریق هک یا به دست آوردن رمز شخصی یک نفر می تواند اطلاعات مربوط را به دست بیاورد لذا اگر دلیل شخصی برای رابطه نامشروع همسرش صرفا تلگرام می باشد بدون اینکه اطلاعات از آن داشته باشد یا اسکرین شات و عکس گرفته باشد و در صورت عدم همکاری متهم، اطلاعات رابطه نامشروع از

اگرچه طرفین به انجام آنها رضایت داشته باشند برقراری رابطه جنسی بین زن مرد و رابطه جنسی زنان هم، نوع دیگری از ارتباطات نامشروع هستند.

اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریات متعدد خود رابطه نامشروع و منافی عفت را از هم جدا نمی داند. عمل دوجانبه، یعنی توافق زن و مرد اجنبی بر نوعی از روابط جنسی ناقص غیر از زنا و امثال آن است بنابراین صرف مکالمه ی تلفنی، قدم زدن در پارک و... به معنی و مفهوم رابطه نامشروع تلقی نمی گردد.

نیز اینکه بر اساس نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه ارتباط تلفنی به قصد رابطه نامشروع از مصادیق رابط نامشروع دانسته و مطابق قانون مجازات اسلامی قابل مجازات می باشد.

شناخت شاکی خصوصی و به عبارت دیگر کسی که در این جرم حق شکایت دارد، واجد اهمیت است. به یقین هر کس راکه به بهانه ایراد ضرر و زیان از قبل این جرم، اقدام به طرح شکایت می کند،



طریق تلگرام او قابل به دست آوردن نیست و محاکم معمولاً در این خصوص برای جرم رابطه نامشروع همکاری نمی کنند ولی مواردی دیده می شود که شاکی توانسته به طریق اسکرین شات و پرینتی از محتوای تلگرام همسر که نشان دهنده رابطه نامشروع او بوده را به دست بیاورد و دادگاه نیز متهم را احضار کرده و او با دیدن آنها تلویحاً اقرار کرده است.

به نظر می رسد رابطه افراد در فضای مجازی از مصادیق رابطه نامشروع تلقی نمی شود و نمی توان آن را جرم دانست زیرا مستند به تبصره ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصادیق جرم رابطه نامشروع فیزیکی و لمسی می باشد.

نمی توان شاکی خصوصی تلقی کرد.

در مواردی که عمل منافی عفت به عنف و اکراه واقع شود، بزه دیده مستقیم جرم، شاکی خصوصی است و ضرر و زیان جرم ابتدا متوجه شخص اوست و وی باید اقدام به طرح شکایت نماید، مگر آنکه محجور بوده یا به علت شدت تعاملات روحی قادر به طرح سال والدین حق طرح شکایت دارند.

اما در مواردی که عمل منافی عفت با رضایت طرفین صورت گیرد، شناخت کسی که بتواند به عنوان شاکی خصوصی تقاضای رسیدگی کند، چندان آسان نیست. ضمناً آنکه اصل پذیرش این حق برای سایرین این مشکل را به دنبال خواهد داشت که هر شخصی از بستگان طرفین ممکن است مدعی ضرر و زیان حیثیتی شده و اقدام به طرح شکایت نماید.

آنچه مسلم است اینکه نباید دامنه افراد ذی نفع را گسترش داد، قاضی باید با توجه به مصادیق پیش رو، ذی نفع بودن فرد شاکی را تشخیص دهد. به هر حال فقدان ضابطه ی مشخص در این زمینه موجب اتخاذ رویه های

منبع: مطالعات حقوقی، غیاثوند سعید، امرایی فر، احسان
مطالعات قرآنی، راعی، مسعود

بازدید مسئولین دانشگاه علوم پزشکی از مرکز مشاوره آرامش پلیس کرمانشاه



در ادامه پروفسور الماسی ریاست دفتر تحقیقات و پژوهش‌های دانشگاه علوم پزشکی بیان داشتند که دواور از حوزه فعالیت‌های معاونت اجتماعی نیروی انتظامی اطلاع داشته اما این بازدید فتح باب جدیدی برای شروع فعالیت‌های پژوهشی کارآمد باتوجه به ظرفیت‌های میدانی نیروی انتظامی با الهام از کیس‌های ملموس خواهد بود. ایشان در ادامه اعلام آمادگی کردند تیم پژوهشی صد نفره زیر مجموعه اداره متشکل از اساتید برتر کشوری در تمامی حوزه‌ها مشغول در دانشگاه‌های استان کرمانشاه نیز در این حرکت علمی دو اداره را همراهی خواهند نمود.

دکتر حسین بیگلری رییس دبیر خانه تخصصی سلامت و امنیت غذایی علوم پزشکی نیز ضمن ابراز خوشحالی از این بازدید اعلام داشتند معاونت اجتماعی علوم پزشکی به عنوان یک بازو در مسائل آموزشی مربیان و جوامع هدف در کنار مشاورین و مددکاران نیروی انتظامی خواهد بود.

در پایان جلسه معاون محترم اجتماعی از میهمانان برای بازدید میدانی از فعالیت‌های مرکز مشاوره نیروی انتظامی دعوت به عمل آوردند.

در این بازدید ابتدا جناب سرهنگ آمویی معاون محترم اجتماعی ضمن خیرمقدم و ابراز خرسندی از این بازدید توضیحاتی در خصوص کل شرح وظایف مرکز مشاوره آرامش ارائه داده و ظرفیت‌های مشاورین و مددکاران را در جهت همکاری با معاونت اجتماعی علوم پزشکی اعلام نمودند و بیان داشتند که پایه مشکلات در ارجاع پرونده‌های خانوادگی به مرکز مشاوره عدم دانش در خصوص مهارت‌های زندگی در بین مردم میباشد و لازمه این امر ارتقاء سطح دانش مشاورین و برگزاری دوره‌های تربیت مربی برای مشاورین توسط اساتید بنام حوزه علوم پزشکی میباشد که در این امر به همکاری آن دستگاه نیاز مبرم می‌باشد.

در ادامه سرگرد یونس کرمی رییس اداره مشاوره و مددکاری نیز ضمن خوش آمدگویی به اساتید و میهمانان علوم پزشکی آمادگی مرکز مشاوره را در جهت هرگونه همکاری اعلام داشتند و بیان داشتند در حوزه پرونده‌های مجرمین خاص و کیس‌های دشوار به ورود و کارشناسی اساتید گروه روانشناسی و روانپزشکی نیاز بوده و در خصوص آنالیز و ریشه یابی چنین مواردی معاونت اجتماعی علوم پزشکی مساعدت لازم را به عمل آورند.

عید سعید سید رحمہ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم





مرکز خدمات روانشناختی
و مشاوره آرامش



سازمان نظام روانشناسی

رایگان

مرکز خدمات روان شناسی و مشاوره آرامش

خانوادگی، ازدواج، تحصیلی، تربیتی

اجرای تست های روان سنجی

خدمات مددکاری اجتماعی

مشاوره حقوقی

نشانی: کرمانشاه، بلوار شهید بهشتی، سه راه ۲۲ بهمن
خیابان شهید مدافع حرم اکبر نظری

نحوه پذیرش: عموم همشهریان می توانند همه روزه صبح و بعد از ظهر به مرکز مشاوره مراجعه و از خدمات این مرکز به صورت **رایگان** استفاده نمایند.

تلفن تماس: ۲۱۸۲۱۹۰۴ - ۲۱۸۲۱۹۰۳